

آن برآورد شد با نماینده اهالی اصفهان داخل در مذاکره شود و عمل را ختم نمایند نمایند و اما راجع به ملکیت آب هم که شاهزاده محمد هاشم میرزا فرمودند در شور کلی هم چرا اظهار شد که ملکیت حق دولت نخواهد بود بنده خیلی تعجب کردم که چه چطور میشود از دولت سلب ملکیت نمود در هر حال از دو حال خارج نیست یا دولت پس از اسحاق روکارون بزیانده رود یک ممیزی جدیدی ننموده و مالیات جدیدی بگیرد و یا اینکه آب بملکیت خود دولت بوده و مطابق معمول سایر آبها میفروشد و از حق استفاده مینماید حالا باید آقای وزیر فوائد عامه توضیح بدهند که نظر دولت چیست

رئیس - یکقسمت از فرمایشاتیکه فرمودید راجع بماده اول بود

عمادالسلطنه بنده در ماده اول هم اجازه خواسته بودم

رئیس آقای حاج شیخ اسدالله اجازه

حاج شیخ اسدالله راجع باین ماده که کمسیون پیشنهاد نموده است دولت سیصد هزار تومان قرض نموده دولت هزار تومان آن را در مدت پانزده سال بابت مالیات محسوب دارد بعضی از آقایان اظهار میدارند که باید خود دولت کلیه این سیصد هزار تومان را بپردازد خاطر آقایان هم متذکر می شوم که ما نمیتوانیم اضافه بر آنچه دولت پیشنهاد نموده رأی بدهیم بنا بر این مذاکرات در این مسئله بی مورد است اما راجع باین قسمت که گفته می شود باید مال دولت باشد بنده تعجب می کنم دولت باید سعی نماید که در ملکیت آبادی برای مردم ایجاد نماید و هم چنین عقیده دارم که دولت سایر املاک و خالصات را بمردم بفروشد که آنها را آباد نمایند حالا تازه در باب ملکیت یک آب موهومی که اگر اهالی پول بدهند و آب جاری شود مذاکره میشود در صورتیکه بنده عقیده دارم همین رودخانه جاجرود را هم که دولت جلو گیری می کند و آب را بمالکین و رعایا نمی دهد و مبلغی از این راه خسارت وارد می آورد آزاد بگذارد زیرا اگر بیست هزار تومان منفعت دارد در عوض سیصد هزار تومان آبادی ملکیت ضرر میرساند باید دید مقصود از این اقدام چیست مقصود این است که اراضی مشروب و آباد شده البته وقتی که آباد شد منافع آن عاید دولت و مردم میشود و مردمی که بواسطه بی آبی در بدر شده اند و فراری و بی خانمان شده اند جمع آوری خواهند شد و تصور می کنم بیش از این مذاکرات لازم نیست و بکلی بی مورد است و بعقیده بنده آب حق اهالی بوده و حق ملکیت خواهد داشت

وزیر فوائد عامه - بنده راجع

باین توضیحی که عرض کردم گمان می کردم که دیگر این مذاکرات تکرار نخواهد شد بنده عرض کردم که تمام این مسائل بعد از تحصیل اجازه از مجلس صورت خواهد گرفت یا هنوز داخل در جزئیات نشده ایم البته بعد از آنکه این اجازه از طرف مجلس داده شد دولت ترتیبی برای حل این مسائل خواهد داد و رفع این مشکلات خواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان اجازه

سهام السلطان در مذاکرات کلی آقای مخبر و نمایندگان اصفهان اظهار فرمودند که اگر یک خرجی بشود و منتهی به نتیجه نشود پول از جیب اهالی رفته و دیگر مربوط بدولت نخواهد بود این شرحی را که اظهار فرمودند در هیچ يك از مواد این لایحه ذکر نشده از طرف دیگر اگر بنا شود خرجی بشود و این آب جاری شود لابد باید تاریخ پرداخت آن از طرف دولت معین شود و بعقیده بنده ابتدای تاریخ هم بعد از جاری شدن آب باشد علیهذا بنده چون این دو مطلب را در هیچ يك از این دو ماده ندیدم پیشنهاد نمودم که برای لایحه مواد شرحی اضافه شود که اگر بواسطه وقایع و حوادثی این امر صورت نگیرد این دو سیصد هزار تومانیکه دولت باید بپردازد از عهده دولت خارج هست و برعهده خود مالکین است دیگر آنکه اضافه شود تاریخ پرداخت و حساب کردن این وجه از بابت مالیات از موقعی است که آب جاری شود و چون بنظر بنده اضافه بر این ماده لازم بود پیشنهاد کرده ام که البته قرائت خواهد شد.

مخبر - بنده قبول میکنم که اضافه شود مبلغ مزبور را وزارت مالیه از خود اهالی اصفهان استقراض کرده و دو سیصد هزار تومان آنرا بعد از الحاق یا جریان آب یعنی از تاریخ شروع استفاده در ظرف مدت پانزده سال باقسط متساویه از بابت مالیات محسوب خواهد نمود.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی نیست ؟

رئیس - یازده فقره پیشنهاد رسیده که شش فقره آن در يك زمینه است قرائت می شود.

(پیشنهادهای مزبور بمضمون ذیل قرائت شد)

راجع بماده (۲) بنده پیشنهاد میکنم که ماده دوم چنین نوشته شود: بعد از جریان آب دو سیصد هزار تومان این مبلغ را دولت در ظرف پانزده سال باقسط متساویه از مالیات طلبکاران

محسوب خواهد داشت و يك ثلث را طلبکاران اسقاط خواهند نمود.

(ابراهیم زنجانی) پیشنهاد میکنم بعد از لفظ (آنرا) اضافه شود (بعد از جریان آب)

مدرس - امین الشریعه راجع بماده (۲) - ماده (۲) مبلغی را که برای اجرای ماده فوق لازم است وزارت مالیه از اهالی اصفهان استقراض خواهد کرد و پس از آنکه مجرای رودخانه باز و آب جاری شد معادل دو سیصد هزار تومان آن را در ظرف مدت پانزده سال باقسط متساویه از بابت مالیات اصفهان محسوب وبدون فرع بآنها مسترد میدارد و تنه برعهده خود اهالی خواهد بود.

بنده پیشنهاد میکنم که هر وقت آب کارون بزیانده رود ملحق شد قرض دهندگان حق داشته باشد از تاریخ شروع استفاده از آب الی پانزده سال باقسط متساویه از بابت مالیات مأخوذ دارند و اگر نتیجه حاصل نشد خسارات باخود اهالی است.

محقق العلماء بنده پیشنهاد می کنم که ماده (۲) بطریق ذیل نوشته شود:

ماده دوم وزارت مالیه سیصد هزار تومان را از روی تقسیم صحیح که هیئتی که از خود مالکین انتخاب مینماید با اطلاع و نظارت وزارت مالیه و وزارت فوائد عامه تعیین میکنند از مالکین استقراض نموده دو سیصد هزار تومان آنرا در ظرف مدت پانزده سال باقسط متساویه پس از اتمام کار و جاری شدن آب از بابت مالیات اصفهان محسوب وبدون فرع بآنها مسترد و صد هزار تومان دیگر آن بر عهده اهالی خواهد بود و چنانچه بواسطه اتفاق و وقایع و مواعینی این امر خاتمه نیافت مالکین حق اخذ کلیه وجه را از دولت نخواهند داشت سهام السلطان.

بنده پیشنهاد میکنم که در ماده دوم نوشته شود. مبلغ مزبور را وزارت مالیه از مالکینی که استفاده از آب خواهند کرد استقراض کرده و در ظرف ۱۵ سال باقسط متساویه از بابت مالیات اصفهان بدون فرع بآنها مسترد دارد و یکصد هزار تومان بعهده خود مالکین خواهد بود مخالف با اینکه اسم اهالی مطلق نوشته شود.

حسن الحسین الکاشانی بنده پیشنهاد میکنم ماده دوم بترتیب ذیل نوشته شود مبلغ مزبور را وزارت مالیه از اشخاصی که استفاده از جاری شدن آب مینمایند استقراض کرده و دو سیصد هزار تومان را در ظرف مدت ۱۵ سال باقسط متساویه از بابت مالیات آب خور بزیانده رود محسوب وبدون فرع بآنها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن بر عهده خود اهالی خواهد بود. حائری زاده

راجع بماده دوم بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده دوم این جمله اضافه شود چنانچه مخارج الحاق آب و بستن سد زیاده از سیصد هزار تومان شد مازاد برعهده خود اهالی است و ربطی بدولت ندارد

ابراهیم قمی بنده اصلاح ساده دوم را این قسم پیشنهاد مینمایم:

ماده دو مبلغ مزبور را وزارت مالیه از خود اهالی اصفهان استقراض کرده و دو سیصد هزار تومان از آنرا بعد از انجام امر و جریان آب در ظرف مدت ۱۵ سال باقسط متساویه از بابت مالیات اصفهان محسوب و بدون فرع بآنها مسترد خواهد داشت و یکصد هزار تومان آن بر عهده خود اهالی خواهد بود

مستشار السلطنه - بنده پیشنهاد می کنم بجای تمام مواد لایحه اجازه الحاق آب کوهرنگ بزیانده رود ماده واحده ذیل تصویب شود:

ماده واحده - مجلس شورای ملی اجازه می دهد وزارت فوائد عامه بخرج مالکین پیشنهاد کنند و هیئتی از مهندسين بصیر و مجرب فرستاده از روی دقت مخارج و الحاق آب کوهرنگ بزیانده رود را برآورد کرده در صورت عدم توجه خسارت مهمه بجایهای دیگر و امکان الحاق هر مبلغ مخارج لازم شود وزارت فوائد عامه با پول مالکین و در تحت نظر نماینده مالکین بمصرف رسانیده و در ظرف ۱۵ سال از تاریخ الحاق مزبور و جریان آب بمجرای جدید وزارت مالیه دولت از کل آن مخارج را بدون فرع باقسط متساویه از بابت مالیات اصفهان با آنها محسوب خواهد نمود و يك ثلث آن بلاعوض برعهده خود مالکین خواهد بود.

ارباب کبیسرو رئیس - این پیشنهادات مراجعه می شود بمکسیون. اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس شود.

(جلسه برای تقس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

وزیر معارف - بودجه وزارت معارف حاضر شده است و به مجلس تقدیم می شود.

(بآقای رئیس تسلیم نمودند) رئیس - ماده سوم قرائت میشود (آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند)

ماده سوم - الحاقیه از طرف کمسیون اجرای فوق در صورتی است که موجب خسارت مهمه غیر قابل خبر آن بعمل دیگر نگردد

رئیس - آقای حاج میرزا محمد دولت آبادی

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بعقیده بنده این ماده که خیلی معانی دارد و نمی شود ماده الحاقیه تصور نمود ضرر غیر قابل جبران چیست مثل اینکه یکی از آقایان نمایندگان فرمودند ضرر بکشتی رانی رود کارون وارد می شود این را هم می توان گفت ضرری است ولی این ضرر ها را نباید در مقابل نفع بزرگ ملاحظه نمود در صورتیکه در رود کارون مدت معنی یعنی سه چهار ماه کشتی رانی می شود و در مواقع دیگر بواسطه تنزل آب کشتی رانی نمی شود بنابر این خوب است ضررها یکبار وارد می شود از قبیل اینکه آقایان فرمودند بعضی اماکن خراب می شود با اینکه ایل بختیاری مشروب نمی شود معین کرد اگر واقعاً آن ضررها کلی و غیر قابل جبران باشد البته باید صرف نظر کرد اگر ضرر و منفعت این کار را سنجیدند و معلوم شد ضرر جزئی وارد می آید و قابل جبران است نباید از اصل مطلب که يك منفعت کلی دارد صرف نظر کرد

رئیس - آقای مدرس موافقت؟

مدرس - باین ماده مخالفم

رئیس - آقای عماد السلطنه خراسانی موافقت یا مخالف؟

عماد السلطنه خراسانی - بنده هم با این ماده مخالفم

رئیس - آقای وحید الملک چه طور؟

وحید الملک مخالفم

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

تدین بنده هم مخالفم

رئیس - آقای منتصر الملک موافقت یا مخالف؟

منتصر الملک موافقم

رئیس - یس بفرمائید

منتصر الملک موافقم

رئیس - یس بفرمائید

منتصر الملک - آقای دولت آبادی

فرمودند و یا سه ماه در رود کارون بیشتر

کشتی رانی نمی شود بنده عرض می کنم

در شط کارون دائماً کشتی رانی می شود

وجود این ماده هم لازم است و البته اگر

يك ضرری متوجه می شود بایستی قید شود

جبران خواهد شد و الا البته برای يك

منفعتی که بیک جایی وارد می شود نمیشود

نسبت بجای دیگر ضرر وارد آورد همان -

طور که آقای وزیر فوائد عامه فرمودند

البته قبلاً تحقیق خواهند فرمود و اگر ضرر

کلی باشد بدیهی است اقدام خواهند

نمود

رئیس - آقای مدرس

(اجازه نطق)

مدرس - همانطور که بعضی آقایان

فرمودند این ماده هم مجمل است هم مضر

خصوصاً با این مذاکراتی که می شود زیرا

مشکل مانع ضرر در این مسئله اظهار می شود

یکی مسئله کشتی رانی آب کارون

و یکی مسئله حق و یکی مسئله اشخاص

است از ایل بختیاری یا غیر آنها که در

بیابان نزدیک رودخانه بلاق دارند تمام این

نقاط را بنده سیر کرده ام مدتی در اهواز

بودم و در دنباله این آب بیست منزل

آمده ام تا به اصفهان وارد شده ام

مسئله اول یعنی کشتی رانی در اینجا خیلی

بی مناسب است زیرا باید در تمام شط

کارون همانطور که در قدیم بوده دولت

انشاء الله موفق شود و سدها ببندد تا بیابان

سی فرسخ درسی فرسخ اهواز آباد و يك

ملکیتی بشود چنانچه در قدیم هم این سدها

بوده حالا خراب شده است و بعلاوه نسبت

این آبها تیکه در نزدیکی شوشتر جاری است

و از لرستان و بختیاری می آید بنده يك با هزار

يك است و در خاک بختیاری هم که بنده

دنبال این آب می آمدم دیدم غیر از طیور

حیوان دیگری از این آب منتفع نمیشود

زیرا این آب در ته دره های عمیقی جاری

است و فقط طیور ممکن است منتفع شوند

و بنده ندیدم هیچ جا وحشی هم از این

آب بخورند مگر در خاک عربستان صکه

بنده از آنجا درست اطلاع ندارم این حرفها

که گفته میشود موهومات است ولی آنچه

احتمال می رود این است که ممکن است يك

مراتع و مزارعی باشد که در صورت الحاق

این آب ضررهائی بآنها وارد شود و البته

کسانی که در این خیال بزرگ هستند

ضررها را باید متحمل شوند ولی بعقیده بنده

این ماده خیلی مجمل است و بنده يك ماده

واضحتری در عوض آن پیشنهاد کرده ام و

انشاء الله الرحمن آقایان هم به همان ماده قانع

خواهند شد

رئیس - آقای عماد السلطنه نماینده

اصفهان

(اجازه)

عماد السلطنه - بنده با پیشنهاد

آقای مدرس موافقم

رئیس - آقای وحید الملک

(اجازه نطق)

وحید الملک - این ماده سوم يك اصل

را که اصل خسارت است قبول میکند

ولیکن بنظر من قدری مبهم است اصل

خسارت در اینجا قبول شده ولیکن يك اصل

کلی دیگر در این جا معین نشده است که

مصدق این خسارت کی باید باشد بطوریکه

در این جا اظهار شد بعقیده من در دو قسمت

از رودخانه شاید يك خساراتی وارد شود

يكی در قسمت علیا و یکی در قسمت سفلی

و یقیناً اشخاصی حاضر خواهند بود که

خسارات معین کنند و بعقیده بنده اشخاصی

که طرف خسارت هستند باید در يك محلی

جمع شوند و از آنها تفتیش و رسیدگی

شود و خسارات معین گردد اگر آن ماده

واحد که آقای ارباب کیخسرو کرده اند

کمسیون قبول کند و آن اصل قبول شود

بعقیده بنده اشکال مرتفع میشود زیرا اولاً

رسیدگی شده و خسارات معین گردد اگر

آن ماده واحد که آقای ارباب کیخسرو

پیشنهاد کرده اند کمسیون قبول کند و آن

اصل قبول شود بعقیده بنده اشکال مرتفع

میشود زیرا اولاً يك عده متخصص و مهندس

بمحل میروند و تفتیش میکنند و مخارج را

بر آورد می کنند بعد وارد جزئیات کار میشود

در قسمت سفلی و علیای رودخانه تفتیشات

لازمه را میکنند و خساراتی هم که این جا

صعبت میشود کاملاً در تحت نظر میاورند

و يك راپورت جامع میدهند و از آن رویك

زمینه برای دولت تهیه میشود آن وقت ما

هم در دادن این رأی پیش خودمان مشکوک

نخواهیم بود و بعقیده بنده اگر کمسیون

آن ماده واحد را اتخاذ بکنند و آنرا کافی بدانند

دیگر این ماده زیادی است ولی اگر آن ماده واصل

انخاذ نشده آنوقت این ماده کافی نیست

و باید این ملاحظه شود و يك میزان و مصداقی

از برای خسارت معین شود نوشته شده

اشخاصیکه طرف خسارت هستند چه در قسمت

سفلی و چه در قسمت علیای رودخانه و چه

راجع بکشتی رانی و چه راجع باستفاده از

این آب طول جریان رودخانه روسای آن

هارا دولت حاضر کند و از آنها تحقیقات کند

خساراتی که ممکن است از این کار حاصل

شده معین کنند آن وقت آن خسارات

از روی يك مصداق صحیح تخمین شود

و ترتیبی برای رفع خسارات معین شود

والا اینطور مبهم که در این ماده نوشته

شده در صورتیکه موجب خسارات مهمه غیر

قابل جبران نگردد کافی نخواهد بود و

خیلی مبهم خواهد بود و از برای دولت

زحمتی تولید خواهد کرد

معتبر - بنده آنچه از فرمایش آقای

وحید الملک اشتباه کردم يك اظهار سوء

ظن است نسبت به متخصصین و مفتشینی که

بایستی مامور و اعزام شوند در صورتیکه

هنوز آن هیئت معین نشده اند و معلوم

نیست چه اشخاصی هستند که ما در حق آن

ها اعمال سوء ظن یا حسن ظن بکنیم عرض

کردم پس از اینکه این لایحه از مجلس

گذشت و مجلس تصویب نمود بایستی هیئتی

اعزام بشود البته میروند و تحقیقات کامل

میکند و طرف علیا و سفلی را هم فرمودند

باز دید میکنند و آن وقت هر کسی ادعائی

داد و گفتگوی خسارتی میکند البته

پیشنهاد خواهد کرد همانطور که فرمودند

بعد از اینکه راپورت جامعی بدولت رسید

آنوقت مشغول کار می شود لیکن هنوز

مفتشی و متخصصی معین نشده اند که مادر

حق آنها اظهار بدگمانی کنیم و خدای

نخواستہ تضییع حقوق کسی می شود و اما

در مسئله کشتی رانی رود کارون هم بنده

يك مالك مخصوصی سراغ ندارم و گمان

نمیکنم امروزه شایسته باشد ما يك مالك و

مدعی خصوصی قائل شویم و علاوه بر این

باید جنابعالی بدانید که برای کشتی رانی

علیا و سفلی فرق نخواهد کرد و از این

جهت این ماده با فرمایشات جنابعالی منافات

ندارد

رئیس - چون موقع ختم جلسه رسیده

است اگر آقایان تصویب بفرمایند مذاکرات

بماند برای جلسه دیگر

(اغلب گفته مذاکرات کافی است

مدرس - خوب است پیشنهادات را

قرائت فرمایند

رئیس - هنوز مذاکرات ختم نشده

(مجدداً جمعی اظهار نمودند مذاکرات

کافی است

(آقای سهام السلطان پیشنهادات را

بمضمون ذیل قرائت نمودند)

پیشنهاد میکنم بجای ماده سیم نوشته

شود : چنانچه در الحاق آب کوه رنگ به

زاینده رود خساراتی بکسی وارد بشود

مطابق معمول به محل و تصدیق اهل خبره

باید جبران شود مدرس - ماده سوم الحاقیه

را بشرح ذیل پیشنهاد میکنم : نظر باینکه

از الحاق آب رود کارون به زاینده رود ممکن

است تولید خساراتی برای اهالی سایر

نقاط فراهم شود قبل از اقدام بکار باید

وزارت فوائد عامه دقت کامل نموده و

اشخاص بصیری بمحل مزبور فرستاده و

در صورت محقق شدن خسارت طریق جبران

آنها معین و ختم نموده پس از آن اقدام

نماید عماد السلطنه خراسانی

پیشنهاد میکنم که ماده سوم الحاقیه

از طرف کمسیون حذف شود :

سید محمد تدین

مقام محترم ریاست - بنده پیشنهاد

میکنم که این ماده بکلی حذف شود

آقا سید یعقوب

رئیس - شور اول ختم شد بایند رأی

بگیریم که داخل شور ثانی بشویم یا خیر

آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد راجع بوره

مرحوم وقار الدوله پیشنهادی شده بود طبع

و توزیع شده است آقای حائری زاده راجع

باین مطلب فرمایشی دارید ؟

حائری زاده - خیر راجع باین موضوع

نیست ؟

رئیس - در این پیشنهاد مغالطی

نیست ؟

(مخالفتی نشد)

رئیس - آقایانیکه تصویب میکنند

ورقه سفید و آقایانیکه تصویب نمیکند ورقه

کبود خواهند داد .
(شروع باخذ آراء شد آقایان سهام السلطان و میرزا ابراهیم خان شماره نمودند بشرتیب ذیل نتیجه حاصل شد)
عده حضار (۶۵) ورقه سفید علامت قبول (۳۰) ورقه کبود علامت رد (۱۱) امتناع (۲۴)

رئیس - عده حضار (۶۵ نفر است آراء تفتیشیه (۳۰) بلاتنتیجه ماند (اسامی قبول کنندگان)

آقای امین الشریعه
سردار معظم کردستانی
آقامیرزا هاشم آشتیانی
آقا میرزا سید حسن کاشانی
مسوا -

شیخ الاسلام ملایری
حاج میرزا مرتضی

آقای معتمد السلطنه
جلیل الملک

میرزا محمد حسین صدرائی
آقا سید محمد تدین

عماد السلطنه طباطبائی
امیر ناصر

آقای آقا سید فاضل کاشانی
« شیخ الاسلام اصفهانی

« مستشار السلطنه
« بیان الملک

« آصف الممالک
« صدر الاسلام بهری

« قوام الدوله
« بیان الدوله

« آقا سید یعقوب شیرازی
« حاج میرزا علی محمد دوات -

آبادی

آقای محمد هاشم میرزا
« وکیل الملک

« نظام الدوله
« عدل السلطنه

« میرزا ابراهیم خان ملک -

آرائی

آقای سهام السلطان
« حاج نصیر السلطنه

اسامی رد کنندگان
آقای حاج میرزا اسدالله خان

کردستانی
آقای آقا سید حسن مدرس

« حاج میرزا عبدالوهاب همدانی
« حائری زاده

« رکن الملک
د آقا سید محمد تقی طباطبائی

د آقا شیخ ابراهیم زنجانی
د ناظم العلماء ملایری

د بهاء الملک همدانی
د ملک المشعر ایک ورقه کبود

بدون امضاء

وزیر امور خارجه - بودجه وزارت امور خارجه حاضر است تقدیم مجلس می شود یک پیشنهادی هم آقای وزیر عدلیه چون گرفتار بودند به بنده داده اند تقدیم مجلس کنم

رئیس - بودجه وزارت خارجه است رفعا از طرف آقای قوام السلطنه رسیده بود کمیسیون عرایض صلاح دیده است در مجلس قرائت شود

بعضیون ذیل قرائت شد
مقام منبع مجلس شورای ملی
شیدانه ارکانه

روزنامه اقدام علاوه بر توهین و هتاکه که در نمرات عذیده باینجناب نموده است بتاریخ سی و نهم حوت ثمت عنوان (هنگامه حساب ما شصتم زردانیم) نیز نسبت خیانت و اختلاس یکمده و نود و سه هزار تومان در زمان تصدی ایالت خراسان باینجناب داده است که عین ورقه مزبور را برای اطلاع آن مقام محترم تقدیم مینمایم در مقابل خدمات و جان فشانی هائیکه در زمان ایالت خراسان نموده است لا اقل این حق را دارد که از مجلس مقدس تقاضا نماید کمیسیون از نمایندگان محترم انتصاب فرموده با حضور نماینده وزارت مالیه به اظهارات مدیر جریده اقدام رسیدگی فرمایند تا پس از کشف حقیقت آنچه را نمایندگان محترم موافق حقایق و عدالت معمول فرمایند

رئیس - آقایان صلاح می دانند مذاکرات در این جلسه بشود یا بماند برای جلسه دیگر (بعضی گفتند در جلسه دیگر)

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده دو مطلب را می خواستم عرض کنم یکی راجع با آقایان وزراء است که از آنها سؤالاتی شده و تشریف نیاورده اند و یکی هم راجع به بودجه هائی است که تقدیم مجلس میشود باید طبع کنند که آقایان نمایندگان نظریات خود را تقدیم کمیسیون بودجه کنند استعفا میکنم مقرر فرمائید بودجه ها طبع و توزیع شد

رئیس - چون این بودجه ها بی دری می رسد بغوریت نمیشود طبع کرد مشغول اقدام هستند و طبع و توزیع خواهد شد راجع بجواب سؤالات هم بریر روز بر حسب اظهار آقای ارباب کیخسرو شرحی نوشته شده تشریف بیاورند

وزیر امور خارجه - احتمال دارد آقای رئیس الوزرا تشریف بیاورند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده می خواستم مسئله ای را بعرض آقایان برسانم و ببینم تکلیف چیست مدتی است راجع با انتخابات آباده چندین تلگراف متوالی توسط بنده بمقام ریاست وزرا و ریاست مجلس میرسد و شکایت هائیکه میکنند راجع باین است که در موقع جریان انتخابات بر خلاف صریح مواد قانون انتخابات اشخاص مسلح حضور دارند و حکومت با یک عده از اشخاص مسلح مانع از این است که انتخابات باکمال آزادی و موافق قانون بگذرد و حتی در یکی از تلگرافات اخیر که توسط بنده بمقام ریاست مجلس شورای ملی و آقای رئیس - الوزرا شد اظهار شده که یکمده وقتی آمده اند تعرفه بگیرند چون نظر آنها با کاندیدائیکه حاکم در نظر داشته است منتخب شود مخالف بوده است بآنها اظهار شده بشما تعرفه نمی دهیم یکی از معروفین آنها وکیل الرعایا بعضی اظهارات کرده است که بچه حق و مجوز قانونی ما را از گرفتن تعرفه ممنوع کرده جواب داده میشود اینها را بکشید بیرون نمایندگان قاطع یعنی سرباز و اشخاص مسلح فوراً امر را بموقع اجرا گذاشته آنها را با پس گردنی و شلاق و سایر لوازم دفاعیه از حوزه انتخابیه بیرون کرده اند و بنا بر همین تلگراف پیرمردی در آنجا بواسطه ضرب مأمورین تلف شده است بنده نمی دانم این ترتیبات صدق است یا کذب ؟ تلگرافی است که بمقام ریاست تقدیم داشته ام آیا با این ترتیب و ندادن تعرفه با اشخاص و حاضر شدن با اسلحه در حوزه انتخابیه و بیرون کردن اشخاصیکه تعرفه می خواهند این انتخابات در آتیه مجوز قانونی خواهد داشت ؟ آیا باید در اینجا بنشینیم و صبر کنیم تا جریان انتخابات بمجلس بیاید آنوقت رأی بدهیم ؟ خیر اینها بر خلاف نصوص قانون انتخابات است اگر این مطالب حقیقت دارد و یا اهالی بدبخت و فلک زده اینطور رفتار میکنند وای اگر از پس امروز بود فردائی در این صورت آیا این وکیل چگونه وکیل است که در بدو انتخابات او برای مخالف با او اسلحه و کتک و شلاق در کار است و اگر راست است و یک پیرمردی در آنجا تلف شده است وکیل بدیمنی خواهد بود انتخاباتیکه با خون ریزی و بیاختام شود نتیجه اش بر باد دادن مملکت است اگر این مطالب صحیح است و چنانچه در یکی از تلگرافات نوشته است که وکیل - الرعایا را در مقابل خواستن عرفه حبس و توقیف کرده اند یقیناً چنین وکیل غیر از بیاد دادن مملکت هیچ کار نخواهد کرد و هر کس بر خلاف قانون انتخاب شود در مواقع دیگر که رأیش برخلاف قانون خواهد بود یک تلگراف دیگری

هم به آقای محقق العلماء رسیده است که بعرض آقایان میرسانم حضرت آقای محقق العلماء بعرض احتیاق حق و جبران هتک احترامات مأمورین دولت به تلگرافخانه ریخته قهراً حاجی وکیل الرعایا حرکت بشیراز داده اند مستندی است جلوگیری فرمایند و الا سلب تأمین و سبب هتکان عمومی خواهد شد حاجی هلی آقا سفاری پور حمزه وکیل الرعایا هر کسی هست آنرا چند روزی حبس و پس از حبس او را تحت الحفظ از آباده بیرون می کنند . اگر اینطور است مکرر عرض میکنم وای اگر از پس امروز بود فردائی . این است که چون این مطلب را بنده نمیدانم چه طور باید بعرض مجلس رساند زیرا شاید تا موقعی که کمیسیون عرایض صلاح بداند و رایورت بدهد و در مجلس قرائت بشود وکیل الرعایا تلف شده باشد باین مناسبت از آقای رئیس اجازه گرفتم بعرض مجلس برسانم و ببینم آیا این مطلب هم مثل سایر مطالب که بکمیسیون عرایض میرسد و سواد یا صلش برای خود مدعی یعنی حکومت مدعی فرستاده می شود که فلان رهبت می گوید پدر مرا در آوردی من بنده مدعی خود را بشناسی و این دفعه سرش را هم ببر شاید این مطالب را افراق تصور نکنند اما بعقیده بنده اغراق نیست ماها باید ناظر قانون باشیم نباید حالا صبر کنیم یک خلاف قانون هائی بشود و بگوئیم آقای حاکم هر کاری می خواهی بکن تا انتخابات تمام شود اگر حقیقه پیرمرد زیر کتک تلف شود از قبر برای ماسخر نخواهد رسید خوب است آقایان برای حفظ حقوق همه یک فکری برای اینکار فرمایند چون تلگراف باسم بنده بود لازم دانستم بعرض آقایان برسانم

رئیس - این را باید عرض کنم که کمیسیون عرایض وقتی شکایتی شد سواد آن شکایت را برای طرف نمی فرستند ترتیبی که قانون برای کمیسیون عرایض معین کرده این است که هر تظلمی که شد بهر وزارت خانه که مربوط است رجوع می کند و استعلام می نماید حالا اگر این ترتیب بد باشد باید نظامنامه را تغییر داد به کمیسیون ایرادی وارد نیست اما راجع به انتخابات آباده هم چندی قبل بعضی از آقایان وکیلا نزد بنده آمده بودند و می خواستند انتخابات توقیف شود و بعضی اظهار کردند توقیف انتخابات خلاف قانون است بنده بایشان عرض کردم این مسئله را نمی توانم رسماً بهیشت دولت بنویسم مگر اینکه مجلس در این باب رأی بدهد و البته هر چه مجلس رأی داد بهیشت دولت ابلاغ خواهد شد

سلیمان میرزا - توضیحی دارم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - مقصود بنده هم همین بود که آقای رئیس فرمودند کمیسیون عرایض سواد شکایت را مستقیماً بحکام نمی فرستد مطابق نظامنامه کمیسیون بوزارت خانه مربوطه می فرستد وزارت خانه هم از حاکم توضیح می خواهد و شکایت را برای او می فرستد و حاکم هم مدعی خود را می شناسد آنوقت تکلیفش معلوم است البته همانطور که فرمودید باید نظامنامه داخلی را اصلاح کرد ولی با این ترتیب حقوق مردم زیر پا می رود

رئیس - آقای مدرس (اجازه نطق)

مدرس - بنده عرض می کنم انتخابی که شکایت نداشته باشد تا بحال اتفاق نیفتاده است همیشه می بینیم تا انتخاب شروع می شود از دو طرف شکایت می آید خوب است است حضرت والا عرض این فرمایشات فکر هلاجی بفرمایند و بواسطه اینکه توقیف کردن انتخابات که برخلاف قانون است باید امر کردن حاکم را تغییر دهند که دیگر این ضمانت پیش نیاید والا اگر بخواهند به مجرد شکایت انتخابات را توقیف بکنند همیشه انتخابات باید توقیف باشد زیرا هیچ وقت انتخاب بدون شکایت نخواهد بود

رئیس - آقای کازرانی (اجازه نطق)

آقای میرزا علی کازرانی -

بنده خیلی متأسف و متأثر می شوم وقتی می شنوم اطلاق کلمه انتخاب را بر این ترتیبات می کنند نمیدانم چه کلمه باین ترتیب که یک هیئتی برای کشتن آزادی و تضییع حقوقی که قانون به ملت داده جمع می شوند اطلاق نمایم.

بنده یک اطلاع وافی از جریان انتخابات آنجا دارم والا یک نفر معبد الشریعه نام از شیراز آمده و در زمینه تهدید و تطمیع ابتدائاً مشغول عملیات شده و بعد یک هیئتی هم انجمن نظارت در تحت یک ترتیبات شرم آوری برقرار شده اند پس از آن یک نفر که از احاطه تجار بود بواسطه اینکه حرف حق زده و در تلگراف مندرج است حبس و زنجیر کرده اند و قبلاً مدت انتخابی که بیش از یک ماه و کمتر از ده روز نیست برای اینکه زود تر خاتمه بساین عملیات بدهند جعله کرده اند حالا هم اگر ما تأمل کنیم و ساکت باشیم ناچار بود از اینکه انتخابات تمام شود.

عده برله و عده ای بر علیه یکدیگر تلگرافات می کنند و اینجا قرائت میشود و این تلگرافات هم یا مورد توجه قرار داده میشد یا نمی شد و شاید هم حقیقتاً این دو تلگراف با هم تصادف کنند (تعارضاً تسافط) آنوقت برمی گشتیم بصورت مجلس صورت مجلس هم که صحت انتخابات را تصدیق

کرده و آنوقت یک نفر وکیل برای ملت انتخاب شده بود.

کمان بنده این است که اگر ترتیب انتخابات اینطور باشد راهی بجز تشنج و انقلاب ملاحت و عداوت بین مردم هم نتیجه ندارد و بالاخره همان کسی که معین خواهد شد خواهد آمد.

بنده باز تکرار می کنم که این ترتیبات را نباید انتخاب گفت بایستی تلگراف شود این هیئت را متفرق کنند و یک هیئتی در تحت ترتیبات قانونی معین شود و اینکه می فرمایند خلاف قانون است بنده عرض می کنم با سوابقی که در مجلس هست و در بعضی از موارد محل انعکاس خود قرار می دهیم از این جهت معظوری نیست و بسیار دیده ایم که انتخاباتی شده بود با درجریان بوده شکایاتی رسیده و از مرکز مأمورو مفتش رسیدگی نموده و انتخابات را توقیف نموده و مجلس هم پذیرفت و هیچکس هم در این زمینه اعتراضی نکرد راست است ما باید رعایت قانون را بکنیم ولی از طرفی هم بایستی سلب آزادی از مردم بشود و مردم را در حبس و غل و زنجیر کنند وقتی اشخاصی که بتلگرافخانه آمده اند عرایض خود را بدولت متبوع خودشان بکنند بریزند و بیرونشان کنند یا بطوری که تلگراف کرده اند آدم بمیرد صحیح است که در موضوع توقیف انتخابات قانون ساکت است ولی رعایت حفظ حقوق مردم هم قانون است در این موضوع که مانع از انجام انتخاب نخواهد شد و باید رعایت خود ولی در صورتی که ما امروز باین عملیات ادامه دهیم فردا دچار معظوراتی می شویم و تلگرافات متعدده خواهد رسید که شعبه هم متعیر خواهد ماند.

زیرا دو تلگراف بر علیه هم است و با یکدیگر تعارض و تصادف می کنند آنوقت تعارضاً تسافط.

بنا بر این بنده پیشنهاد می کنم از طرف دولت یک نفر مأمور بآنجا برود و انتخابات را از روی صحت انجام بدهند و اگر یک نفر کاندید صحیح هم هست اقلاً بر خلاف شأن خود آن کاندید مرهون نباشد.

رئیس - چند نفر از آقایان اجازه خواسته اند و برای اینکه مطلب بدست بیاید پیشنهاد آقای کازرانی قرائت میشود **امین الشریعه** - بنده اطلاعات کامل دارم اجازه می فرمائید عرض کنم

رئیس - اگر اینطور است پس بماند برای جلسه آتی.

سلیمان میرزا - بنده می خواهم توضیحی بدهم.

رئیس - بفرمائید.

سلیمان میرزا - مقصود بنده از اینکه مفصل عرض کردم فقط حفظ حقوق

حمایت قانون بود در صورتی که توقیف انتخابات برخلاف قانون است عرایض بنده راجع باین نیست که کی انتخاب بشود هر کس می خواهد انتخاب شود یک جماعتی از محل انتخاب شکایت می کنند که اما اینطور اجتهادات می شود برخلاف قانون بما تعدی شده حبس مان کرده اند تعریف نداده اند بنده نمیدانم این شکایات صحیح است یا سقیم البته بعد از رسیدگی معلوم میشود ولی عجالتاً بنده عرض آنجا صدایم را بلند کرده ام تا احقاق حق آنها بشود و چند مرتبه عرض کردم اگر این مطالب صحیح است البته همه موافقین هر کس باشد باید مجازات شود اگر هم ناصحیح است باید جلو گیری بشود که بدون جهت راپورت ندهند و کسانی که برخلاف راپورت میدهند مجازات برسند در هر صورت اصل رسیدگی را همه ما ها فائیم و باید احقاق حق مظلومین بشود

رئیس - آقای امین التجار (اجازه)

امین التجار - بنده همانطور که حضرت والا فرمودند اطلاعات صحیحی در این خصوص دارم اولاً انجمن نظار در منزل شیخ الاسلام تشکیل شده و معلوم است وقتی انجمن نظار در منزل شخص یک نفر تشکیل شود جریان انتخابات بخیل آن شخص خواهد بود و آن پیرمرد را هم که فرمودند بنده اطلاع دارم مرده و وکیل را عیارا هم اول حبس و بعد زنجیر کرده و تبعید بقارس نموده اند وعده را هم که در تلگرافخانه متعین بوده اند بزور خارج کرده اند و در نتیجه این ترتیبات دو نفر از اعضای انجمن نظار استعفا داده و کناره کرده اند و عقیده بنده این است که با این ترتیب انتخابات صورت قانونی ندارد و باید توقیف شود

رئیس - آقای سدیدالملک (اجازه)

سدیدالملک - حضرت والا فقط

آباده را فرمودند و سایر آقایان هم در اطراف آن حرف زدند بنده خواستم بهیئت دولت تذکر بدهم که قانون انتخاب بقسمی باید رعایت شود که پس از انتخاب این حرفها زده نشود این کار کار بهیئت دولت است در هر نقطه انتخابات میشود و باید رعایت قانون را بکنند

رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه)

امین الشریعه - بنده در این موضوع اطلاعات کامل دارم و گمان میکنم اطلاعات حضرت والا بر حسب تلگراف بوده و خودشان هم فرمودند (در صورت صحت) یعنی این معمولهائی را که حمل بر موضوع کردند اگر حمل بشود یعنی در صورتیکه صغری مسلم بشود کبری مسلم می آید و چون باین

شرط فرمودند بنده حرفی ندارم لیکن در همین مقام خودشان و آقای امین التجار تصدیق خواهند فرمود که هر قدر آقایان بواسطه صورت تلگرافات اظهار اطلاع فرمایند بمصدق اهل البیضاءری بمافی لیبیت اهل محل اطلاعاتشان زیاد تر است بواسطه آنکه وضعیت امور و عقاید منتخبین و کاندید محل را میدانند و هر کدام از آنها بیک کاندید هستند برای خودشان مقدماتی فراهم کرده اند و با علم بآن مقدمات کاملاً تمام ترتیبات را میدادند و بنده هم تمام اینها را میدانم ولی لازم نمیدانم برده بردارم و آنچه را که میتوانم بر عرض مجلس برسانم این است که کاندید آباده مختلف است و بر روی اختلاف کاندید این شکایات میشود و هر یک از این دستجات کاندیدها زمینه شان را حاضر ندرند و نتیجه را برای خود نمی بینند از این تلگرافات بالا تر هم خواهند کرد و شاید غیر از این کاندید کاندید دیگری هم در آنجا باشد و تمام شکایات بر روی این اساسی است والا بموجب اطلاعاتیکه بنده دارم و ممکن است مکاتبی را که در این خصوص رسیده در جلسه دیگر حاضر کنم و نفر از طبقات آباده از تجار و اعیان و علماء و اصناف را حکومت محل دعوت کرده و انتضا بهیئت نظار را از آن ۵۰ نفر خواسته است که در بین آن پنجاه نفر هم ایادی کاندیدهای مختلف آباده حاضر بوده اند و در مجلس ملنی در ملاه عام آن پنجاه نفر ۷ نفر را که اسامیشان را هم در آنکافذ ها نوشته اند معین کرده اند و شروع بانتخابات نموده اند البته هر یک از این دستجات زمینه را ملاحظه میکنند که موافقت با مقصود نمیکند این شکایات را مینمایند و این سابقه هم حالا ایجاد نشده در تمام انتخابات مجلس شورای ملی همین شکایات بوده بنده نمی خواهم نظایرش را یکی یکی عرض کنم با وصف این نبود که این اطلاعات کامل را دارم و وقوع این قضایا را چنانکه در تلگراف نوشته است رسماً و علناً بعقیده خود تکذیب میکنم معذک بنده مخالف نیستم با اینکه مجلس شورای ملی یک توجهی بفرماید و رسیدگی شود و این کاندیدهای مختلف در سایه صحت عمل و اینکه عده آراء هر کس زیاد تر باشد بدون تهدید باشد انتخاب شود ولی نسبت بعرایض خودم هم اسناد دارم ممکن است ارائه دهم

(بعضی گفتند مذاکرات کافی است)

رئیس - بایستی منتج نتیجه بشود

آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه نطق)

محمد هاشم میرزا - مطلب

بعقیده بنده باید تجربه شود والا هیچ منتج نتیجه نخواهد شد یکی مسئله توقیف انتخابات است و یکی مصون بودن اشخاصی است از تعرضات غیر قانونیکه حضرت والا فرمودند

این دو مسئله را مملو باید کرد و البته هر اقدامیکه لازم است از طرف دولت باید بشود که وسائل آزادی مردم را فراهم بیاورند ولی توقیف انتخابات هم مخالف قانون است یک نفر که سهل است اگر پنج نفر هم کشته شود انتخابات نباید توقیف شود و خوب نیست ما امروز رأی بدهیم که انتخابات توقیف شود چون گاهی اتفاق می افتد که مجلس شورای ملی نیست و در آن صورت ممکن است تمام انتخابات را توقیف نمایند در آن صورت ممکن نیست که مجلس شورای ملی تشکیل شود بجهت اینکه مرجع کاندید مختلف پیدا شود و شکایت برسد دولت حق خواهد داشت انتخابات را توقیف کند چنانچه در بعضی نقاط هم در این چند سال این اتفاق افتاده بکسی انتخاب همدان است که دو سال توقیف شد و وکلایش را تازه میبینیم و همچنین انتخابات زنجان و غیره که مدتی توقیف شده و اگر امشب ما این مطلب را تصویب کنیم خیلی مضرات عمومی برای آتیه خواهد داشت مگر اینکه وقتی قانون انتخابات از کمیسیون بمجلس برگشت ترتیبی پیش بینی کنند و البته هر طوری که مجلس رأی بدهد آنطور عمل خواهد شد والا مادام که این قانون انتخابات موجود است این شکایات مانع از جریان انتخاب نخواهد بود ولی کلبه در اساس آن بنده مساعد و موافق و البته مراعات آسایش اهالی مهم تر است اما چیزی که هست این است که غلط باشد و بمجلس بیاید بکمال خوبی از مجلس رد میشود چنانکه اغلب انتخابات هم در همین مجلس رد شده ما هم نذر نکرده ایم تمام انتخابات را قبول نمائیم

رئیس - آقایان صلاح میدانند بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتیه

جلسه پس فردا سه ساعت قبل از غروب و دستور آن اولاً بقیه شور دوم در لایحه شورای عالی معارف ثانیاً مذاکرات در راپورتی که از کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات رسیده است

شیخ الاسلام اصفهانی - اجازه می فرمایید؟ بنده در دستور عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

شیخ الاسلام اصفهانی - مطابق ماده پنجاه و نهم نظام داخلی لایحه آب کارون محتاج بشور دوم نیست ولی وقتی بنده ملتفت شدم موقع گذشته بود و مجلس رأی داده است البته روح قانون هم اجازه میدهد که هر قدر در یک لایحه هورزیادتر بشود بهتر خواهد بود بنا بر این تقاضا دارم شور ثانوی را در دستور جلسه پس فردا قرار دهند زیرا بطوریکه عرض کردم لازم نیست پنج روز فاصله بماند و شور بشود

رئیس - چندین فقره پیشنهاد در آن خصوص داده شده که تمام آنها باید برود بکمیسیون و در آنجا مذاکرات مفصلی راجع بانها بشود و گمان نمیکنم تا پس فردا حاضر شود و بلاوه بایستی لااقل بیست چهار ساعت قبل لوابح طبع و توزیع شود بنابراین گمان نمیکنم تا روز شنبه حاضر نخواهد بود آقای وحید الملک در موضوع دستور حرفی دارید؟

وحید الملک - بلی
رئیس - بفرمائید

وحید الملک - در چند جلسه قبل آقای فہیم الملک در موضوع معاجات آقای آذری سؤال کردند و آقای حاج شیخ اسدالله از نقطه نظر کمیسیون بودجه شروع بشرح قضیه فرمودند ولی اظهارات ایشان نا تمام ماند و موکول بجلسه بعد شد در جلسه بعد هم اظهاری از طرف آقای حاج شیخ اسدالله نشد بعد از آن روز هم یک اهالی از طرف آقای کفیل وزارت مالیه در بعضی جراید خوانده شد که در آنجا اظهار میدارند تمام معامله چهار صد هزار لیتر بیشتر نموده است و البته در حین معامله ده یا دوازده کرور تفاوت حاصل نمیشود بعد از آن باز یک کاغذی از طرف آقای آذری در روزنامه ها دیده شد و در آن کاغذ مبلغ را دو کرور تنزل داده و ده کرور گفته اند و در آن کاغذ اظهار میکند که میتواند ثابت نماید ده کرور تفاوت عمل شده این است که بنده تقاضا میکنم اگر آقایان موافق باشند در جلسه آتیه آقای حاج شیخ اسدالله یا مخبر کمیسیون بودجه اطلاعاتی که در این زمینه دارند بفرمایند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده آن شب يك مختصری راجع باین موضوع عرض کردم ولیکن قضیه هنوز خاتمه پیدا نکرده زیرا صورت رسمی از طرف بانک نیامده بود که يك راپورتی از کمیسیون بودجه بمجلس تقدیم شود تا پس فردا تصور نمیکنم ما بتوانیم يك راپورت رسمی بمجلس شورای ملی بیاوریم

رئیس - از طرف کمیسیون بودجه آقای سهام السلطان اظهاری دارند؟

سهام السلطان - در جلسه بعد نتیجه مقدماتی را که ممکن است بنده بیان کنم

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده در دستور عرض دارم يك راپورتی چندی قبل از طرف کمیسیون خارجه رسید راجع بامورین سیاسی که در خارجه اقامت دارند و چون بنظر بنده این راپورت اهمیت دارد و در جریان سیاست خارجه ما ممکن است

موضوع مهمی را اشغال کند خوب است دستور جلسه آتیه بشود

رئیس - آنرا هم اگر مخالفی نباشد جزء دستور میگذاریم (گفتند مخالفی نیست)

(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۷

صورت مشروح مجلس

یوم پنجشنبه هیجدهم

برج حوت ۱۳۰۰ مطابق

نهم شهر رجب المرجب ۱۳۴۰

مجلس دو ساعت قبل از غروب ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل گردید (صورت مجلس یوم سه شنبه شانزدهم حوت را آقای سهام السلطان (قرائت نمودند)

رئیس - نسبت بصورت مجلس ایرادی هست یا نه؟ آقای ملک الشعراء (اجازه)

ملک الشعراء - بنده يك اصلاح عبارتی راجع بکوه رنگ و کارون پیشنهاد کرده بودم کمیسیون هم آن اصلاح را قبول کرده ولی در صورت مجلس قید نشده است

رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - بنده هم يك پیشنهادی

رئیس - آقای حاج امین التجار (اجازه)

حاج امین التجار - بنده هم يك اطلاعاتی راجع بسوء جریان انتخابات آباده داشتم که عرض کرده بودم ولی در صورت مجلس هیچ ذکر نشده

رئیس - آنهم نوشته میشود - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

میرزا سید حسن کاشانی - بنده هم يك پیشنهادی برای اصلاح ماده دوم کرده بودم در اینجا نوشته نشده است

رئیس - پیشنهاد جناب عالی هم جزو همین یازده فقره پیشنهاد است که در صورت مجلس ذکر شده شاهزاده محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - چون در صورت مجلس راجع بمسئله انتخابات آباده همین قدر نوشته شده که بنده بانوقب انتخابات مخالف بودم و مخالف قانون میدانستم و حال آنکه بنده آزادی اهالی را هم در انتخابات لازم می دانستم خوب بود باین مسئله هم اشاره می شد که تصور نشود در این موضوع ساکت بودم

رئیس - دیگر اعتراضی نیست؟ (اظهاری نشد)

رئیس - پس از این چهار فقره اصلاح صورت مجلس تصویب شد يك فقره تلگراف راجع بانخابات آباده از شاهزاده نصرت السلطنه بوزارت داخله رسیده و از آنجا بمجلس فرستاده شده قرائت میشود (آقای آقا میرزا ابراهیمخان)

شرح ذیل قرائت نمودند

نمره ۷۳۵۷

وزارت جلیله داخله

تلگراف نمره ۳۴۰۴ راجع بمشاجره رئیس انجمن نظار و وکیل الرهائیلی آباده واصل از قرار راپورت واصله وکیل الرهائیلی بمجلسه بانجمن ورود نموده از مخالفت انجمن از ورود با اسلحه بنای فحاشی را بشیخ الاسلام رئیس انجمن گذارده انجمن از این حرکت بخيال استعفا بوده مأمور انتخابات با کمال استمالت جلو گیری نموده و چون هتاکی و فضاحت او در انجمن زیاد شده حکومت برای جلو گیری از فساد مرتکب را موقتاً توقیف و پس از یک ساعت او را مرخص نموده بمحض وصول خبر فوری دستورات لازمه داده شد که مراقبت و مواظبت نمایند و موه جریانی رخ نبند

نمره ۷۳۵۷ نصرت السلطنه

رئیس - آقای کارزانی (اجازه)

کارزانی - عرض میکنم این تلگراف **رئیس** - این تلگراف فقط برای اطلاع آقایان قرائت شد ولی مذاکره در آن نخواهد شد و اگر بخواهند آن را مورد مذاکره قرار دهند و اگر بخواهند باید وزیر داخله یا شخص دیگری را بخواهند تا در آن مذاکره کنند قانون شورای عالی معارف مطرح است آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک - بنده در این موضوع عرضی ندارم

رئیس - آقای شیخ الاسلام مقدم هستند

وحید الملک - عرض بنده راجع بدستور است

رئیس - بفرمائید

وحید الملک - این عرض بنده در مجلس مقس سابقه دارد (ولی در نظام نامه داخلی مجلس شورای ملی مسلم نشده است) که وقتی شور در کلیات یکی از قوانین می شود و طرف او یکی از وزارتخانه ها است بهتر این است که خود وزیر تشریف داشته باشند و توضیحات لازم را بدهند بنابراین اگر آقایان موافقت دارند شور در کلیات قانون شورای عالی معارف باید تا وقتی که آقای وزیر معارف تشریف بیاورند و توضیحات لازم را بدهند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقای وحیدالملک - بنده با نظریه آقای وحیدالملک متخالفم زیرا این لایحه از کمیسیون معارف گذشته و مخبر محترم کمیسیون هم هستند هر نظریه که مخالفین دارند بفرمایند تا آقای مخبر دفاع کنند بواسطه اینکه فعلاً مقام تعیین است نه مقام اجرا و در مقام تعیین حضور مخبر کفایت میکند و محتاج به حضور وزیر نیست **وحیدالملک** - اجازه میفرمائید عرض میکنم که

رئیس - آقای وحیدالملک پیشنهاد میکنند که مذاکره در قانون شورای عالی معارف بماند تا یکساعت دیگر که آقای وزیر بیایند

وحیدالملک - اگر موافقت معاطرات نیست

رئیس - رأی میگیریم در این پیشنهاد آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند قیام فرمایند

اغلب قیام نمودند

رئیس - تصویب شد طرح قانونی پیشنهادی جمعی از آقایان راجع بنمایندگان سیاسی ایران در خارجه مطرح است و در این طرح دوشور خواهد شد فعلاً شور در کلیات است آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - در این موضوع هم بهمان نظریه و فلسفه که آقایان راجع بتأخیر شورای عالی معارف فرمودند بنده این مسئله را هم نظیر آن میدانم بلکه مشکلتر زیرا که نظریه آقای وزیر امور خارجه را در این باب نمیدانیم چیست (بعضی گفتند صبیح است) و لابد باید نظریات وزیر در این موضوع جلب شود مخصوصاً در این موضوع که از حیث قانونگذاری اهمیتش از قانون شورای عالی معارف زیاده تر است در صورتیکه کمیسیون در موضوع قانون شورای عالی معارف نظریات خود را اتخاذ کرد و شور آخر او است معذالك آقایان فرمودند که بماند تا موقعی که آقای وزیر بیایند دفاع کنند (و همینطور هم باید باشد) در اینجا هم بهمان نظریه باید آقای وزیر خارجه تشریف داشته باشند و نظریات ایشان در این خصوص معلوم شود شاید ما در اینجا يك رأی بدهیم آنوقت وزیر خارجه دچار مشکلاتی بشود بنا بر این گمان میکنم اگر آقای وزیر باشند و مذاکره شود بهتر باشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرضی ندارم

اقبال السلطان - اجازه

اقبال السلطان - بنده در اصل

پیشنهاد عرضی ندارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا راجع بدستور است ؟

سلیمان میرزا - بلی

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - راجع بفرمایش

آقای حاج شیخ اسدالله عرض میکنم البته اصولاً باید در هر مذاکره وزیر هم باشد و در حضور مذاکره شود ولی فرق این مسئله با آن مسئله زیاد است اولاً این طرح قانونی پیشنهاد وزیر نیست که لازم باشد حضور داشته باشد و دفاع کند این طرح قانونی پیشنهاد خود نمایندگان است که قریب چهل پنجاه نفر از آقایان نمایندگان آنرا امضاء کرده اند و صاحبان امضاء همه حاضر هستند و هر توضیحاتیکه بخواهند خود امضاء کنندگان توضیح میدهند و دو شور هم در این طرح خواهد شد و اگر وزیر نظریه داشته باشد در شور آخر هم میتواند نظریات خود را بیان کند و موقع خواهد داشت ولی راجع بقانون شورای عالی معارف چون شور اخیر هم خواستیم که نظریات وزیر را هم بدانیم باین لحاظ رأی دادیم که بماند تا آقای وزیر بیایند ولی در این طرح فعلاً شور اول است که يك شور کلی خواهیم کرد بعداً داخل در موادمی شویم و بعد از پنج روز شور ثانی شروع خواهد شد و در تمام این مواقع اگر وزیر امور خارجه نظریاتی داشته باشد میتواند اظهار کنند و ما هم گوش کنیم ولی این اصلی را که فرمودند که در هر شور يك طرح یا پیشنهاد قانونی باید وزیر مربوط باشد اگر اکثریت هم نظریه ایشانرا قبول کند باید آقای رئیس جلسه را ختم بفرمایند و ما هم برویم زیرا دیگر در دستور چیزی نداریم کطرف او وزیر نباشد اما طرف این لایحه بخصوص خود نمایندگان هستند و هر توضیحاتی که بخواهند آقایان امضاء کنندگان خواهند داد

رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله آقایانیکه پیشنهاد ایشانرا تصویب میکنند قیام نمایند (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد شور در کلیات است آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده جزو پیشنهاد کنندگان هستم و موافقم فعلاً عرضی ندارم

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - البته مجلس مقدس بوضع هر قانونی قادر است ولی تعیین مدت از برای توقف مأمورین کلیه از وظائف وزارتخانه های مربوطه است و بعقیده بنده تعیین مدت توقف مأمورین سیاسی هم در خارجه با وزیر امور خارجه است مثلاً يك وقت سیاست مملکت اقتضا میکند که يك

مأموری پنجسال در يك مملکتی توقف نماید و يك وقت مقتضی است که ششماه بماند وقتی که این مسئله را تصویب کنیم که مأمورین سیاسی در خارجه بیش از پنجسال حق ندارند بمانند ممکن است يك وقت يك ترتیبی پیش بیاید که وزیر امور خارجه صلاح بداند یا لازم باشد همان مأموری را که پنجسال در يك مملکت بوده مدت خدمتش را در آنجا ادامه بدهند و آقایانی که این پیشنهاد را کرده اند دو دلیل در مقدمه آن ذکر نموده اند که به عقیده بنده هر دوی آن قابل تردید است دلیل اول این است که اگر مأمورین سیاسی در خارجه زیاد بمانند از پلتیک ژنرال مملکت بی خبر می شوند بنده عرض میکنم پلتیک مملکت یا ثابت است یا تغییر پذیر اگر ثابت باشد همان اطلاعاتی که از سیاست مملکت دارند برای آنها کافی خواهد بود چون در سیاست تغییری حاصل نشده و اگر سیاست تغییر پذیر است او باید تغییر پذیر هم باشد آنوقت هر زمانی که سیاست مملکت تغییر کرد وظیفه وزیر خارجه است که مأمورین خود را در هر مملکتی که باشد از سیاست مملکت خودش مطلع کند و هیچ لازم نیست که آن مأمور را بطهران احضار کنند و مدتی هم در تهران متوقف باشند تا از سیاست مملکت مطلع شود دیگر اینکه اظهار فرموده اند طول مدت توقف در خارجه ممکن است سبب شود که زبان ملی خود را فراموش کنند خیلی محل تعجب است چطور میشود که کسی بواسطه طول اقامت در خارجه زبان اصلی و مادری خود را فراموش کند البته مأمورین خارجه در هر مملکتی که هستند بواسطه معاشرت با اتباع ایرانی تمام مذاکره و تکالیشان بزبان فارسی خواهد بود راپورتها و مکاتبات آنها با وزارت خارجه بزبان فارسی است و لابد در آن محل چند کتابی دارند که مطالعه کنند و زبان مادری خود را فراموش نکنند بنده تصور میکنم این دودلی که افاده فرموده اند چندان قابل توجه نیست و تصور می کنم اگر این طرح قانونی را تصویب کنیم وزیر خارجه را در اجرای مقاصد و تعیین مأمورین خودش معذور کرده و دچار اشکالات کنیم و بالاخره بنده با این پیشنهاد با این دلائلی که عرض کردم مخالف هستم

رئیس - آقای وحیدالملک مخالفند

وحیدالملک - خیر موافقم

رئیس - بفرمائید

وحیدالملک - عرض می کنم

ملازمه بر فلسفه عقیده و اصل کلی و مهم قانون استخدام که بموجب آن کلیه مستخدمین دولت معین میشوند و از روی آن يك کسانی در مقابل تصحیر هائی که کرده اند ایام خدمتشان منقضی میشود از این اصل که گذشتیم يك اصل و يك فلسفه مقیدتری

هم در نظر گرفته شده است از برای پیشنهاد کردن این لایحه و آن اینست که خدمت خارجی و استخدام مأمورین در خارجه باید بمنزله يك مدرسه باشد برای تهیه کردن مستخدم برای تهیه کردن مدیر برای مرتب کردن ادارات این خود يك اصل مهمی است مثلاً فرض کنید اشخاصی که از مدرسه سیاسی فارغ التحصیل می شوند و داخل در خدمت وزارت خارجه میشوند و مأموریت بهارج پیدا میکنند البته اینها در خارجه يك سلسله و یک رشته عملیاتی را که در کتاب خوانده اند برای اولین خواهند دید و آن چیزهایی که نمیدانستند می آموزند و بالاخره يك مدرسه علمی را در زمان اقامت خود در خارجه طی میکنند و دوره این مدرسه به عقیده بنده چهار سال و پنج سال برای این مأمور کافی است و اگر يك تمرینات علمی لازم داشته باشند البته در مدت ۴ و ۵ سال اقامت در يك پایتختی تحصیل خواهند کرد و بعد از این مدت باید برگردند بداخله مملکت خودشان و آن عملیاتی را که در خارجه آموخته اند و برای دیده اند در وطن خودشان عمل کنند و بموقع اجرا بگذارند این يك اصل مهمی است و هیچ يك از ما نمی توانیم منکر این اصل بشویم که ما امروز علوم اداری و انتظامات اداری محتاجیم و برای اینکار يك عده از مأمورین خودمان که بهارج میروند و عملیات را برای اولین می بینند کامل خواهند بود و باید از آنها استفاده بکنیم و این خود يك اصل مقیدی است که در نظر گرفته شده و نظر دیگر آن این است که آن آقایانی که در خارج تهریف دارند يك روابط و سلاسل و زنجیرهای خانوادگی در اینجا دارند و بوسیله آن زنجیرها مربوطند ولی رفته رفته بواسطه طول اقامت در خارجه آن روابطی که دارند سست و گسیخته میشود و از مملکت و وطن خود دور می افتد ما نباید این کار را بکنیم ما باید سلاسل و رشته هائی را که مأمورین خارجه با مملکت خود و یا خانواده خود دارند محکم تر کنیم نه سست تر و بوسیله آنها این است که مأمورین خارجه پس از يك مدت معین توقف از خارجه بیایند بمملکت خودشان و اطلاعات جدیدی از وطن خود کسب کنند و يك اطلاعات تازه که از آنها کسب کرده اند بماند بدهند و يك استفاده از آنها بشود و بعقیده بنده این دو اصل خیلی مهم و قابل توجه است اولاً چنانچه عرض کردم از آن علم و عملیاتی که در خارجه دیده و تحصیل کرده اند استفاده کنیم و دیگر آنکه آن علاقه و سلاسل که عرض کردم منقطع نشود و بیایند بمملکت خودشان

و از سیاست مملکت مطلع شوند و روابط خود را تجدید کرده دوباره معاودت کنند کسی نمیکوید که از خدمت بکلی خارج شوند بلکه ممکن است پس از مراجعت بایران در همان مدت توقف هم در خدمت وزارت خارجه بمانند یا در وزارت خانه های دیگر خدمت کنند و از عملیات آنها استفاده بکنند و پس از یکسال دو مرتبه ماموریت گرفته برگردند.

رئیس - آقای مستشار السلطنه
موافقت؟

مستشار السلطنه - خیر مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

مستشار السلطنه - اگر چه بنده

با قسمت عمده نظریات آقای وحیدالملک موافقم ولی با موافقت وضع این قانون را زائد میدانم البته این نظریات صحیح است است و هر چه مامورین کمتر در خارجه بمانند احساسات ملی آنها کمتر خلل ناپذیر میشود و هر چه زودتر بوطن خودشان بیایند و اخلاق و وضعیات جدید را بیاموزند بهتر خواهد بود ولی بنده نمی دانم وضع این قانون برای چیست؟ بعد از آنکه وزارت خارجه دیدیک مامورش در پاریس یا در لندن بقدر کفایت اقامت کرده او را میخواند و اطلاع میدهد که بیا اگر نیاید و برخلاف رای دولت متبوه خودش رفتار کرد آن مامور را وزارت خارجه نمی خواهد و از خدمت دولت خارج است و اگر ماموری پس از احضار متوسل به وسیله بشود که از طرف دولت باز مقیم باشد اصلاً هم چه ماموری وجود نداشته باشد بهتر است ماموری که برخلاف وظایف خودش رفتار کند لازم نیست در سر خدمت باشد بالاخره اگر وزارت خارجه یک ماموری را در خارج دید بقدر کفایت اقامت کرده و باید او را بخواند که بایران بیاید و در این جا بر حسب اوقات یک است دیگری را متکفل میشود و پس از آنکه مدتی این جا ماند دوباره بر میگردد این یک قضیه خیلی ساده است و لازم نیست برای این مطلب یک قانونی نوشته شود و تا این اندازه قابل اهمیت نیست تا آنجا شاید مقتضیات مملکت و منافع ملت در ابقای یک ماموری باشد که مجدداً چند سال اقامت کند این چه عاقلی است که ما برای خودمان بتراشیم که فلان مامور مدت معینی باید در خارجه اقامت کند اگر مقتضی باشد ابقاء شود والاخر بالاخره بنده با که مال اختصار می کنم که با این نظریه مخالفم و اگر این مطلب تصویب شود ممکن است وزارت داخله یا وزارت خانهای دیگر هم قابل این اصل بشوند که حاکم هم باید یک مدت معینی در یک محلی باشد در صورتیکه بنده دارای این عقیده نیستم و میگویم هر ماموری در هر نقطه

که باشد اگر مقاصد دولت

و مقاصد وزارت متبوه خودش را کاملاً انجام داد باید همانجا باشد تا بمیرد

فهییم الملك - مخبر کمسیون خارجه - مخالفتهائی که از طرف آقایان نسبت باین طرح اظهار شد اگر در مسائل فقط ما قائل و معتقد بکلمات باشیم و بخواهیم داخل در عمل شویم بنده میتوانم با تمام فرمایشات آقایان موافقت کنم هم با فرمایشات شاهزاده اقبال و هم با فرمایشات آقای مستشار السلطنه که بایک الفاظ ادبی میگویند البته باید اوامر دولت را اطاعت کنند و نباید تخلف کنند از این البته ها خیلی گفته میشود اما گمان میکنم چه در این مورد وجه در موارد دیگر باید یک قدری از دائره الفاظ خارج و داخل در عملیات شد

(گفته شد صحیح است)

مثلاً مامورین یک وزارتخانه البته باید کاملاً مطیع اوامر آن وزارتخانه باشند تا بتوانند حقیقه بعد از یک مدت متمادی اشخاصی را برای اداره خودشان تهیه کنند و بمروور ایام اطلاعات کاملی از ممالک مختلفه پیدا کرده باشند و در نقاط مختلفه در دوائر وزارتخانه های آنها کار کرده باشند آیا ما همه مامورین ترتیب شده داریم خیر تمام تقذیرات مستخدمین ما بسته بمیل و اراده اولیای امور و وزراء است که هر وقت خواستند جمعی را خارج و اشخاص دیگری را بجای آنها میآورند و هر وقت هم صلاح دانستند یک نفر را بقدری به سرکار میگذارند تا بمیرد و هر زمان برای یک کار بزرگ با کوچکی یک نفر مستخدم بخوانند میگردند و میگویند کسی که اطلاع داشته باشد نیست در صورتی که شانزده هفده سال است ما در تصد اصول مشروطیت کار میکنیم و دارای یک ادارات و ترتیباتی هستیم و در یک همه مملکتی بایستی لاقط برای هر یک از کارهای چندین نفر آدم تهیه شده باشد

(گفته شد صحیح است)

متأسفانه یک نفر هم ندارد آقا اشاره فرمودند که برای حکام هم ممکن است معتقد شوند که معتقد شود البته بنده هم معتقد هستم و عرض میکنم یک نفر حاکم اول باید حاکم یک بلوک بشود بعد چند بلوک بعد رفته رفته ولایت و بعد ایالت و بعد حاکم درجه اول و در اولی که حاکم یک بلوک شد او را تغییر بدهند از آنجا به یک بلوک دیگر و همینطور در تمام اکفاف مملکت حکومت های مختلف برود که از اوضاع و نقاط مملکت کاملاً مطلع باشد آنوقت میتوان همه شخصی را وزیر داخله کرد و چون او همه مملکت اطلاع کامل دارد

(گفته شد صحیح است)

یک مأمور مالیه را باید در تمام مملکت گرداند و از درجه باین کم کم ترقی داد تا او را وزیر مالیه کرد آنوقت با اطلاع کاملی که از همه نقاط مملکت دارد می تواند مملکت را اداره کند همینطور وزارت خارجه که الان متجاوز از بیست سال است که با اقدامات اولیه آقای رئیس الوزراء حالیه دارای مدرسه سیاسی شده و عدو را برای ادارات وزارت خارجه تربیت کرده اند در سنوات اول که یکمده بیرون آمدند و آقای رئیس مجلس در آن زمان که رسمیت ریاست کابینه وزارت خارجه را داشتند اقدامات اولیه را کردند یعنی یکمده اشخاصی را فرستادند در خارجه و در صدد هم بودند که آنها را تغییر و تبدیل بدهند که یکمده اشخاص تربیت شده داشته باشند ولی متأسفانه بعد از تشریف بردن ایشان از وزارت خارجه بوزارت فواید عامه دیگر این رشته مسکوت عنه ماند و تا کنون که بیست سال است هنوز قدمی برداشته نشده است مخصوصاً نسبت بمامورین خارجه که یک جنبه دیگری دارد که ما مجبور هستیم باین پیشنهاد میفرمایند وزارت خارجه او را بخواند بنده هم عرض میکنم بخواند اما اگر نیاید چه باید کرد متأسفانه در خارج از حوزه مجلس بقدر سر سوزنی از این عقاید نیست یک عده از مامورین ما هستند که حقیقتاً از اوضاع انقلابات سنوات اخیر و چند سال مشروطیت آبد آخبر ندارند و هنوز تصور میکنند اوضاع مرکز مثل زمان ناصرالدینشاه و اتابک اعظمی امین السلطان است و تصور نمی کنند که ایران مشروطه شده است

شاهزاده اقبال السلطان می فرمایند چطور میشود زبان فارسی را فراموش کنند ما نگفتیم اگر یک کتابی هم بدست آنها بدهند نمی توانند بخوانند خیر لازم نیست بخارجه برویم اگر همین اینجا کتب و نوشته جات و مکاتبات متداوله امروزه را با مکاتبات و کتب پانزده سال قبل مطالعه کنیم تصدیق میفرمایند که زمین تا آسمان فرق کرده و اگر چنانچه مراجعه بفرمایند بمکاتباتی که از خارج میرسد خواهید دید که تا چه اندازه وزرای مختار ما از ترتیبات امروزه بیخبر و غیر مربوط هستند علاوه اشخاصی که در این مدت انقلاب داخل در عملیات شده اند حتماً با آن اشخاصی که داخل نبوده اند نظریاتشان خیلی فرق خواهد داشت بخصوص اشخاصی که از قدیم سر کار بوده اند بیشتر طرفدار یک فشارهای سیاسی که بر ما وارد آمده است بوده اند و مسلم میدانم امروزه عقاید ما به آنها اثر نمیکند (نیخواهم بگویم آنها یک نظریات سوئی داشته اند) خیر ولی اگر می آمدند

و یک سال دو سال در این انقلابات می

بودند حتماً نظریاتشان تفاوت میکرد الان ما مأمورینی داریم که هفده هجده بلکه بیست سال است در یک نقطه معین مانده اند اگر در این مدت آنها را بیست شش نقطه می فرستادیم که سیاست مملکت را ببینند و مقایسه می کردند باز امروز مآذاری چند نفر کارکنان قابل بودیم متأسفانه این کار را هم نکردیم و آنها هم در جاییکه هستند هیچ فکری جز ابقای خود ندارند و ابداً در خیال حفظ سیاست ما نیستند تا کنون سه مرتبه وزیر مختار پاریس را دولت خواسته و عوض هم برای او معین کرده است معذالک یک وسایل سیاسی خود را برقرار کرده حالا آقای مستشار السلطنه می فرمایند تلگراف کنید بیایند خیر نمی آیند و پس فردا هم یک وسائلی میفرایند که مجدداً ابقاء شوند پس باید یک قانونی وضع کرد و فقط صورت اداری برای اجرای این نظریات کافی نیست شاید امروز در خیلی موارد ما مجبور باشیم که از مجرای قوه مقننه مساعدتهائی بادت به کنیم زیرا کمک قوه مقننه تا اندازه برای دولت نافع و لازم است نه فقط در این مورد بلکه در اغلب موارد دولت محتاج به همراهی مجلس خواهد بود بنابراین یک عده از آقایان اینطور در نظر گرفتند که به هیئت وزراء کمک بکنند تا آنها بتوانند بموجب یک اصل قانونی داخل در عمل شوند و هیچ هم مقید نکرده اند که حتماً باید تا پنج سال بماند خیر کمتر از پنج سال مانعی ندارد ولی توقف آنها از پنج سال نباید تجاوز بکند البته تصدیق میفرمائید ماموری که پنج سال در یک نقطه بماند تقریباً یک احساسات بومی پیدا می کند و حتماً باید پس از این مدت تغییر کند تا بداند که این اقامت او موافقی است و بالاخره باید یک جایی بر گردد که از او انتظار خدمات دارند اگر فرضاً بیاید در مرکز یکسال یا شش ماه بماند مجدداً اگر دولت صلاح بداند او را بفرستند مانعی نخواهد داشت فقط قیدی که در این پیشنهاد شده است این است که منتهی مدتی که مامور سیاسی میتواند در یکجا بماند پنج سال است و بعد از پنج سال حتماً باید یکسال بر مرکز بیاید آنوقت مجدداً دولت اگر خواست می تواند او را بفرستد تا از این نظریه آقای مستشار السلطنه هم جلوگیری نشده باشد البته تصدیق میفرمائید که با این انقلابات متوالی اوضاع سیاسی ایران اگر یک ماموری چهار پنج سال خارج بماند باید یک مدت هم بیاید ایران تا با اوضاع قدری آشنا شود مثلاً ملاحظه میفرمائید یک عده از مامورین سیاسی با از قبیل آقایان نواب و علائی و مختار السلطنه بهمان اندازه که داخل در اوضاع انقلاب ایران بوده اند و از اساس

مشروطیت و استبدادی مطاعند بهمان اندازه هم وجودشان نافع و مورد استفاده است یعنی بهمان نسبتی که آشنا بوده اند ولی از دیگران ابتدا فایده نمی بریم و نظراتشان مطابق اصولی است که قبل از مشروطیت بوده مثلاً عهدنامه روسی را که اینجا آورده بودند با ترجمه کدشده بود باید تا اندازه از همان مارا روشن کرده باشند متوجه شده باشیم که در آنجا چه چیزهایی نوشته شده بود اصلاً نه اشاره به مجلس شده بود نه بیسی بینی شده که مجلس است و باید به تصویب او برسد بنابراین این پیشنهاد یک نظریه نیست که اساساً آقایان نمایندگان خواسته باشند در کار دولت مداخله بکنند خیر هیئت دولت از او است فقط برای همین محظوراتی که عرض کردم خواسته اند یک کمکی به هیئت دولت کرده باشند و دیدند به قرین راهی که مجلس برای تهیه اشخاص لایق در مملکت می تواند پیش بینی کند همین است و بعلاوه امروزه که ما محتاج هستیم به مستشار های خارجی این آقایان که از مستشار بهترند چه مستشاری بهتر از مأمورین که بیست سال در خارجه کار کرده اند اگر در این مدت چیزی فهمیده اند که چرا پدر مملکت نخوردند و اگر نفهمیده اند پس بچه درد میخورند که در خارجه بمانند البته باید آنها بیایند و دیگران بروند و در آنجا یک همه مستشار ایرانی برای ما تهیه خواهد شد

رئیس - آقای نصیر السلطنه موافقت؟

نصیر السلطنه - بلی
رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت؟

ارباب کیخسرو - بلی موافقت
رئیس - آقای مدرس چه طور؟
مدرس - مخالف
رئیس - بفرمائید

مدرس - متأسفانه این دومسئله که اتفاق افتاد بمکس شد چون لازم بود که آقای رئیس الوزراء و خصوصاً آقای وزیر خارجه در این مذاکرات تشریف داشته باشند و نظراتشان در این خصوص معلوم شود بهر حال در اینکه وضع مأمورین مادر خارجه بدست و خوب نیست تردیدی ندارم و عقیده بنده این است که تمام مأمورین سیاسی ما که در خارج داریم باید تشریف بیاورید بایران چه آنهایی که موقعشان رسیده بیایند و چه آنهایی که موقعشان رسیده بیایند ایران و ایرانی بشوند و مشغول خدمت بشوند لکن متأسفانه آقایان رفقا در این زمینه بعضی صحبتها کردند که بنده باید ایتعرف هارا بزنم برای این بود که آنها را بمنزله یک شاگرد مدرسه که برای تحصیل بخارج رفته باشند تعبیر فرمودند اینها الفاظی است که

مناسب من است و سر رشته از این کار ها دارم اصلاً مأمور سیاسی و پلتیکی باید بمقتضای سیاست تبدیل شود چه یکماهه چه یکساله چه دهساله هر چه سیاست تغییر می کند باید مأمور سیاسی هم تعبیر کند اگر سیاست مقتضی شد که ششماه باشد ششماه بماند هر وقت سیاست مملکت تغییر بکند او را هم تغییر بدهند
(گفته شد صحیح است)

اما مسئله پنجسال و تعیین مدت گمانم این است که مأمورین سیاسی و پلتیکی دول خارجه هم باید اندک اخلاف سیاسی و پلتیکی پیدا نشود فرض میکنم تغییر نمیکند پس ما در این مدت مدید یا سیاسی داشته ایم که مأمورین مان را تغییر ندادیم یا سیاسی داشته ایم بتغییر و مأمورین ما بهمان رویه که داشتند و بعضی آقایان فرمودند شاید از ده بیست سال قبل تغییری در وضعیت شان پیدا نشده است و بنده عقیده دارم که تمام مأمورینی که در خارج داریم بلا استثناء تمام را بخواهیم چون اوضاع سیاست ما را اینها نمی دانند یا با اوضاع دیگر متعاضد شده باشند ولیکن تغییر دادن چهار و پنجسال را حالی از مله میدانم سیاست که در یک نقطه سیاست ما اقتضا می کند که مأمورین ده سال بماند یا اقتضا می کند که یکسال بماند یا کمتر یا بیشتر هر مدتی که سیاست مان مقتضی است و تغییر نمی کند باشد و وقتی که سیاست مان فرق کرد او هم تغییر بکند و عرض می کنم نمی توانیم میزان معینی برایش پیدا کنیم دیگر عرضی ندارم

رئیس - آقای نصیر السلطنه (اجازه)

نصیر السلطنه - بنده از در نظر گرفتن چنین طرحی مقصودم مرتفع شدن این اصلی بود که تا حال مقرر بود ولی البته با تصدیق بتمام فرمایشات آقای مدرس که ما فوق پیشنهاد را در نظر گرفته اند و بنظر بنده حقیقت احساسات را پیروز دادند قسمت عمده از این پیشنهاد راجع باشخص نبود که کی خوب کار کرده است و کی بدو بنده در این موضوع نمیتوانم داخل مذاکره شوم نقطه نظر بنده این بود که آقایان نمایندگان سیاسی ایران که باروا میروند پس از یک مدت معین توقف در آنجا بایران مراجعت کنند و اوضاع سیاست مملکت خود را بایک نظر دقیقانه بسنجیده و یا ملاحظه بوضعیت مملکت خود مراجعت کنند بعملی که دولت معین می کند یا محل مأموریت سابق خود و آنوقت آن نظریات را اجرا کنند ولی متأسفانه و بدبختانه همانطور که آقای مدرس فرمودند می بینیم نمایندگان سیاسی ما چون از مملکت ما دور شده اند از سیاست مملکت هم دور شده اند
آقای اقبال السلطان فرمودند که وزیر

امور خارجه در زمینه سیاست مملکت دستور العملهایی می تواند بآنها بدهد بنده نمیتوانم تکذیب کنم ولی عرض می کنم که خیلی مسائل است که بوسیله تلگراف نمیشود بمأمور دستور العمل داد و باید برای العین مشاهده کنند و از اوضاع مطلع شوند پس از آنکه مطلع شوند بموقع اجرا بگذارند و اینکه آقای مدرس دربدو فرمایشاتشان فرمودند که آقای رئیس الوزراء با آقای وزیر امور خارجه لازم است که تشریف داشته باشند.

بنده هم تکذیب نمی کنم زیرا البته ایشان هم باید مشارکت کنند و ای خاطر ایشان را متوجه می کنم باینکه قبل از آنکه این طرح در مجلس مطرح مذاکره شود برای اینکه نظریات دولت هم جلب شده باشد بدولت ارجاع شود با مذاقه لازمه از طرف دولت بکمیسیون خارجه ارجاع کردند و آقای وزیر امور خارجه هم در کمیسیون در یک قسمت از مذاکرات ما شرکت داشتند پس در این قسمت اقدامات مقصود از طرف مجلس و نمایندگان و کمیسیون خارجه بعمل آمده است و اما اینکه آقای اقبال السلطان فرمودند دست و نال وزیر بسته میشود بسیار خوب این یک موضوعی است که دست و نال وزیر خارجه بسته میشود ولی از یک طرف مسئولی هم خواهد داشت و خاطرشان را متوجه میکنم باین مقدمه که در این جا نوشته شده است که متأسفانه اکثر از نمایندگان سیاسی مانه تنها سالها از مملکت خود خارج هستند بلکه بعضی از آنها در تمام هر خودیای تحت مملکت خود را ندیده اند البته تصدیق بفرمائید که چنین مأموری خیلی از سیاست ما بیخبر است و برای مملکت مأموری که چندین سال پایتخت خود را ندیده باشد و از سیاست مطلع نباشد خوب نیست (و همچو مأموری امروز داریم) و متأسفانه بواسطه طول اقامت در خارجه تکلم بزبان فارسی را هم فراموش کرده اند (مقصود این نیست که واقعاً فارسی نتواند حرف بزنند) مقصود این بود که خصوصیات زمان فارسی را نمی دانند اگر حضرات عالی در وزارت خارجه استخدام داشتند یا جبران امر خارجی را می دانستید و اگر مکاتباتیکه از مأمورین خارجه میرسد ملاحظه بفرمودید تصدیق می فرمودید که تاچه درجه محل دقت است و باید دقت کرد و چون قسمت عمده از عرایض بنده را آقای فهیم الملک فرمودند و آقای مدرس هم در حقیقت با فوق نظریات ایشان را داشتند بنده کاملاً لزوم این موادر را تصدیق میکنم و آقای مدرس که فرمودند باید تمام مأمورین خارجه را خواست نباید این نکته را فراموش بفرمائید که در ماده اول این پیشنهاد نوشته شده که مدت توقف مأمورین سیاسی و نمایندگان و وزرای مختار در

ممالک خارجه پنجسال نباید تجاوز نماید در حقیقت یک ماده قانونی است که ابتدا دست دولت را نمی بندد و اینکه حضرت عالی در نظر گرفته اید ممکن است در هر وقت دولت نظر باحتیاجات و مقتضیات سیاست مملکتی ما مأمورین را بخواهد ولی از پنجسال نباید تجاوز نماید و این ماده که ترش شده است برای این است که همانطوریکه حضرت عالی فرمودید شاید یک مملکت و وزارت خارجه یک دولتی برای جریان نظریات سیاسی خودش محتاج شود مأمور خود را زیارتگاه بدارد باید در این اصل ملحوظ شده باشد البته تصدیق میفرمائید یک مأموری که پنج سال در خارجه توقف کرد باید بایران بیاید و از وضعیت مملکت خود مطلع شود و مانعی نخواهد داشت پس این طرح قانونی باین ترتیب که نوشته شده خیلی خوب نظریات آقایان را میسراند و تصور می کنم آقای مدرس هم با نظریات رفقا شان موافق هستند و این لایحه را قبول بفرمایند

این نکته را هم فراموش کردم عرض کنم که آقای مستشار السلطنه خودشان این لایحه را امضاء کرده بودند و باین حال متأسفانه مخالفت نمودند

رئیس - آقای کازرانی موافقت یا خیر؟

کازرانی - در یک جزء از این لایحه مخالفم.

رئیس - فعلاً مذاکرات در کلیات است.

کازرانی - پس عرضی ندارم
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - عرضی ندارم
رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - موافقم
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم موافقم
رئیس - سدید الملک (اجازه)

سدید الملک - موافقم
رئیس - آقای دولت آبادی

حاج میرزا علی دولت آبادی - بنده هم موافقم

رئیس - می بینیم اغلب آقایان موافق هستند پس خوب است رأی بگیریم

امین الشریعه - بنده مخالفم
رئیس - بفرمائید

امین الشریعه - اگر چه بعضی حقایق را که بنده در نظر داشتم عرض کنم آقای مدرس بتجوختصار بیان نمودند و فرمودند فلسفه برای وضع این قانون نمی دانم ولی بنده عرض می کنم علاوه بر اینکه فلسفه برای آن نمیدانم این پیشنهاد را هم مضر

و مخالف سیاست مملکت میدانم در این قانون مینویسد مدت اقامت مأمورین در ممالك خارجه نباید از پنج سال تجاوز نماید بده با این عقیده مخالف و عقیده ام اینست که هیچ چیز نمی تواند مأمورین خارجی را تغییر دهد جز اقتضای سیاست و سیاست مملکت هم در دست دولت است و البته دولتی که معتمد مجلس باشد بایستی همیشه حافظ سیاست داخله و خارجه و نظار اعمال مأمورین سیاسی خود باشد و هر وقت مقتضی بداند که مأمورین را بخواهد بتواند او را احضار کند مانع از دولت را محدود کنیم که بیش از پنج سال مأمورین را در خارجه نگذارند اما این فلسفه که بیان فرمودند (که مأمورین بیش از پنج سال باید بایران بیایند و از وضعیت مملکت خود مطلع گردیده و سایر تکاملی بنمایند و پس از یکسال مجدداً برگردند) اگر درست تأمل و تعمق بفرمایند معلوم میشود که این فلسفه را که دلیل بر رفع آنها قرار می دهند همین فلسفه دلیل بر ابقای آنها خواهد بود بواسطه اینکه هر چه بیشتر در خارجه بماند مأمور سیاسی مملکت متوقف فیها بیشتر و بهتر واقف میشوند و در سایه وقوف و روابط با اشخاص بهتر می توانند مقاصد دولت خودشان را انجام دهند و این فلسفه ابقای آنها را ثابت می کند نه ارتفاع آنها را برای سائنسین خارجی که شعبه اطلاعات لازم است یکی حقوق بین الملل و یکی مقتضیات محلی و البته مأمورین هر چه بیشتر در محلی بمانند مقتضیات آن محل را بهتر می فهمند چنانچه می بینیم مأمورین خارجی هر کدام پرویا کاند قوی داشته و در محل بیشتر مانده باشند احکام دولت خودشان را در آن ممالك بهتر اجرا می کنند مگر اینکه بگوئیم مأموری متمرکض است ولی تدریجاً موجب وضع قانون نمی شود دولت باید متمرکض را ببیند و از خدمت خود خارج کند و گمان هم نمی کنم که دولت در هیچیک از ممالك مأمور متمرکض داشته باشد و صریح هم نمی دانم که در مجلس گفته شود ما در خارج مأمور متمرکض داریم و اما اینکه فرمودند چون در اوضاع داخلی مملکت تغییرات حاصل شد و مأمورینی که در خارجه بوده اند باید بیایند علم و اطلاع از وضع حالیه مملکت پیدا کنند بنده عرض می کنم که مأمورین خارجی به عقاید و دفاع خودشان که نمی توانند در خارج بمانند یا موسس محلی بشوند البته آنها در تحت تعلیمات وزیر امور خارجه و تصویب هیئت دولت مشغول عمل میشوند و اگر روز بروز هم وضعیت سیاست داخلی و اخلاقی و اوضاع تغییر پیدا کند وزارت امور خارجه هم تعلیمات خود را در زمینه همان تغییر می دهد که پیدا شده یا مأمورین خود دستور میدهد دیگر حاجت به آمدن در ایران ندارند که اطلاع پیدا

کرده برگردند حالا اگر مأمورین در ادای وظایف خود کوتاهی کنند این دلیل وضع قانون نمی شود بلکه علت عزل آن مأمور میشود بهر حال بنده معتقدم که هر وقت دولت دستوری بیک مأمورین خارجه خود داد و آن مأمور در اجرای آن کوتاهی کرد باید او را معزول و احضار نمود و علاوه بر اینکه باین قانون معتقد نیستم آتراه مضر میدانم
رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بنده تصور می کنم امروز یکی از آن ایامی است که باید به مجلس تبریک گفت که یک همچو قانونی در مجلس پیشنهاد شده و مطرح است ما تهیه قشون و خلبانی از لوازم دیگر برای پیش و لی متأسفانه از چیزیکه فوق همه اینها است تا بحال غفلت کرده ایم تمام خرابی سیاست ما از خون فاسدی است که تا بحال در قلب سیاست ما بواسطه عدم توجه به مأمورین سیاسی جریان داشته است و چیزی که مجلس را الزام می کند که قانونی را وضع کند احتیاج است تجربه های گذشته بما تعلیم میدهد بلکه امر می کند که یک دقیقه از این مطالب غفلت نکنیم البته گاهی سیاست مقتضی است که در ظرف یکسال دو دفعه مأمور یک نقطه عوض بشود ولی هیچ جای این پیشنهاد دست متصدیان امور را نبسته است البته باین ماده پیشنهادی کمیسیون خارجه در دست توجه فرموده اند که می نویسد مدت اقامت مأمورین در خارجه نباید از پنج سال تجاوز نماید و هیچ نوشته است که در ظرف این پنجسال هم نباید مأمور تغییر کند البته دولت هر وقت مقتضی بداند مأمورین خود را قبل از پنج سال احضار می کند یا تغییر می دهد و بهیچوجه دست دولت بسته نشده است فقط چیزی که هست این است که اگر بکوتی مأمورین ما مثلاً از آب و هوای خارجه خوششان آمد بیش از پنجسال در خارجه بمانند و از آن ساعت که مدت پنج سال منقضی شد دیگر بر سبب و مأموریت دولت شناخته نشوند اگر آن مأمورین اشخاص خوبی هستند و همانطور که فرمودند بواسطه طول اقامت حسن روابطی با آن دولت و مملکتی که در آن هستند پیدا کردند که آن حسن روابط باعث نفع مملکت ما است البته هیچ مانعی ندارد که بیایند در اینجا و تعلیمات تازه از دولت خود گرفته و از وضعیت مملکت خودشان هم کاملاً مسبوق شده و مجدداً مراجعت نمایند ولی اگر ما بکنظری به مأمورین خودمان که در خارجه هستند ببیند ازیم خواهیم دید (مخصوصاً بنده در دو سال و نیم قبل بار و بار امریکا رفتم و همچنین در مسافرت هائی که قبل از این بار و بار کرده ام دیده ام که واقفاً حال بعضی از مأمورین در خارجه

شرم آور است و برای مملکت و تجارت ما ضرر فایده دیگری ندارند البته تصدیق می فرمائید که ماده دوم هم همین را می گوید و می نویسد این قانون کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران را که در تاریخ وضع این قانون بیش از پنجسال در خارجه است های مذکوره در ماده قبل را دارا باشند شامل خواهد بود (یعنی تمام آن مأمورین باید تشریف بیاورند) برای واقع شدن ما احتیاط داریم و البته امیدواریم که وضعیت مملکت طوری شود که این شرط احتیاطی هم از بین برداشته شود)

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند؟

(جمعی گفتند کافی است)

قلین - خیر کافی نیست

رئیس - رأی می گیریم که مذاکرات کافی است یا خیر؟

آقایان اینکه مذاکرات را کافی می دانند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - معلوم می شود کافی است رأی می گیریم که داخل مواد بشویم آقایان اینکه تصویب می کنند داخل در شور مواد شویم قیام نمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده اول قرائت میشود

(آقای سهام السلطان بشرح)

ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - مدت مأموریت کلیه سفراء و وزراء مختار و مقیم دولت علیه ایران در ممالك خارجه نباید از پنجسال تجاوز نماید و در انقضای این مدت مأموریت مجدداً آنها بخارجه منوط است باینکه لا اقل یکسال در ایران توقف کرده باشند

رئیس - آقای تدین

(اجازه)

قلین - بنده با اساس این پیشنهاد مخالف بودم ولی بواسطه بدبختی من این طور شده است که هر وقت توبه بمن میرسد آقایان مذاکرات را کافی میدانند

رئیس - تقصیر جنابعالی است که در اجازه میخواهید قریب بیست نفر قبل از سرکار اجازه خواسته بودند

قلین - در عین اینکه یک قسمت مهم از اعتراضات من بر عملیات مأمورین سیاسی دولت علیه ایران است که در خارجه رفتار می کنند در عین حال هم با این ماده و هم با ماده بعد مخالفم اولاً این ماده اول موهم بعضی مطالب است یکی آنکه در اینجا فقط اسم سفراء و وزراء مختار را برده و از مابقی اسم نبرده است در حالیکه این قانون برای ژنرال قنصل و ویس قنصل و سایر مأمورین هم هست قانون نباید

بطور تخصیص نوشته شود بلکه باید بطریق کلی باشد از اینکه بگذریم می نویسد مدت ترفیف مأمورین در خارجه نباید بیش از پنجسال باشد و این مسئله هم مقصود را تأمین نمی کند برای اینکه اگر دولت قدرت داشته باشد البته هر وقت بمأمورین اخطار کرد که باید بمرکز بیایند ناچار باید قبول کند و اگر ذوالقدر نباشد این قانون هم برای او ایجاد قدرت نمی کند و اجرای هر قانونی هم دائر مدار قدرت است بنابراین در عین اینکه عقیده بنده این است که هیچ مأمور سیاسی را نمیتوان تغییر داد مگر از نقطه نظر اقتضای سیاست مملکت این ماده هم مقصود آقایان را تأمین نمی کند بعلاوه باماده بدش تناقض دارد زیرا در ماده اول مینویسد کلیه سفراء و وزراء مختار دولت ایران مقیم خارجه در ماده دوم می نویسد کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران و این دو ماده با هم تناقض دارد

فهریم المملک - مخبر - خیر این طور نیست

قلین - همین طور است ماده دوم را می خوانم ملاحظه فرمائید این قانون کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران را که تا تاریخ وضع این قانون بیش از پنج سال در خارجه سمت های مذکوره در ماده قبل را دارا بوده اند شامل خواهد بود بهر جهت بنده بهیچیک از این دو ماده معتقد نیستم زیرا مقصود را تأمین نمی کند و اگر مجلس شورای بخواند این مقصود تأمین شود عرض این دو ماده و این لایحه باید يك ماده قانون وضع کنید که جامع الاطراف باشد یعنی هم موجب قوت دولت باشد و هم مقصود آقایان را تأمین کند و آن يك ماده این قسم نوشته شود (در هر موقع که دولت صلاح بداند احضار یکی از نمایندگان سیاسی خود را البته احضار او برای مقتضایاتی خواهد بود و اگر چنانچه آن شخص احضار شده تخلف از حکم کرد طبعاً از شغل خود معزول و منفصل خواهد بود) بعقیده بنده در عرض این دو ماده قانون فقط همین يك ماده که جامع الاطراف است وضع شود شاید در يك موقعی مقتضی باشد که يك مأمور سیاسی هشت سال در محل مأموریتش بماند و شاید مقتضی باشد که يك سال یا سه سال بماند چرا پنجسال بماند؟ و شاید بکوت مقتضی شد که دولت مأمور خودش را احضار کند و با او شفاهاً مذاکراتی نموده و يك اطلاعاتی تحصیل کرده و شفاهاً با او تعلیمات بدهد در اینصورت چگونه ما بیک لایحه مهمل و مبهمی رأی بدهیم؟ اگر آقایان موافق باشند در عرض این دو ماده آن ماده که عرض کردم نوشته شود که جامع الاطراف هم هست و گرنه این دو ماده مقاصد آقایان را تأمین نخواهد کرد و البته در موقع شور

در کلیات عقاید خود را بطور کلی هم عرض خواهم کرد.

رئیس - مذاکرات دو ماده اول هم مثل مذاکره کلیات است فرق نمی کند (گفتند صحیح است)

مخبر - آقای تدین فرمودند که این ماده اختصاص داده شده است. بسفراء وزراء مختار عرض میکنم در اصل پیشنهاد آقای نصیر السلطنه و سایر آقایانهم همین طور نوشته شده بود و در کمیسیون هم با بودن آقای وزیر خارجه این مسئله مطرح مذاکره شد بالاخره نتیجه مذاکرات این شد که این ماده همین قسم اختصاص به هیئت رئیس داشته باشد ضرر ندارد زیرا دوام و ثبات اجراء جزء همیشه منوط بدوام و ثبات اعضاء رئیس است باینجهت کمیسیون تصمیم گرفت که این ماده را بعنوان اعضاء رئیس تحصیل بدهد چون اگر همراهی و مساعدت وزرای مختار و سفراء نباشد البته وزارت خارجه بخوبی می تواند اجزاء جزء را تغییر و تبدیل بدهد و هیچ مانعی هم نخواهد داشت اعضاء کمیسیون هم شاید از حرکات فئوسولگریها و اگنتها بی اطلاع نبوده اند که چه حرکات نا شایسته در خارجه می کنند که حقیقتاً شرم آور و قابل انکار نیست و یا اینکه وزارت هم از حرکات آنها بی اطلاع نبودند معذالک مساعدت روساء ملت بقضاء آنها در سر کار بوده است و ما میخواهیم این اصل اساساً از میان برداشته شود که مأمورین نتوانند قانوناً پیش از این مدت در محل مأموریت بمانند در اینصورت اگر دولت اعضاء و هیئت رئیس آنها را تغییر بدهد دیگر مانعی برای تغییر و تبدیل اجزاء جزء نخواهد بود

در همین حال هم عرض می کنم اگر آقایان مقید نباشند که کلیه مأمورین سیاسی و فئوسولگری قید شود کمیسیون هم مخالفتی نخواهد داشت

اما قسمت دوم که فرمودند هرگاه مأمورین از طرف دولت احضار شد و نباید معزول باشد عرض می کنم این عبارتی است که بالاخره بآرزو ختم خواهد شد زیرا در هیئت دولت غالباً تغییرات متوالی پیدا می شود امروز يك كابينه که روی کار است اگر يك مأمور را ابقا می کند و بالاخره در ظرف يكسال پنج شش مرتبه آن مأمور احضار و ابقا می شود

لذا عقیده کمیسیون این بود که پس از پنج سال مأمور حتماً باید بایران بیاید و نباید در سر کار خود باقی باشد که علاقه پیدا کند اگر بوزارت امور خارجه مراجعه فرمائید خواهید دید که چند نفر از مأمورین را دولت احضار کرده است و بالاخره دلیلی که مأمورین برای ابقای خود ذکر کرده اند این است که چون ما در اینجا انس گرفته

و آب و هوای اینجا به مزاج ما ساخته است از اینجهت تغییر مأموریت برای ما سخت است این دلایلشان این بوده است و از طرف وزارت خارجه هم گفته شده چون اینطور تقاضا کرده اند نمی شود آنها را تغییر داد بعلاوه در اینجا هم هیچ قید نشده است که مأمورین حتماً پنج سال در خارجه بمانند ممکن است شش ماه یا يكسال در محل مأموریت بمانند و احضار شوند و دستور العمل بآنها داده شود و مجدداً آنها را بفرستند بمأموریت مأمورین خارجه که در ایران هستند نمونه اصول اداری هستند یکی دو نفر از مأمورین خارجه هستند که شاید هشت نه سال متوالی در ایران بوده اند ولی سایرین هر يك دو سال يكمرتبه سه سال يكمرتبه كنز گرفته و بمملکت خود رفته و مجدداً برگشته اند حالاهم اگر این اصول را اجرا کنیم هیچ ضرری نخواهد داشت و دست دولت هم بسته نخواهد بود و می تواند مأمورین خود را تغییر بدهد یا بجای دیگر بفرستد

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - يك قسمت از هرايش بنده را آقایان موافقین فرمودند و بنده با آن قسمت موافق هستم که البته مأمورین وزارت خارجه پس از چهار پنج سال باید بایران بیایند و از جریان امور مملکت خودشان اطلاعات تحصیل کرده مجدداً بهمان نقطه یا نقاط دیگر بروند ولی نواقص آنرا هم باید عرض کنم اگر چه می دانم رأی اکثریت قاطع و مخالفت بنده بی فایده است ولی فقط بنده خود را باین دل خوش می دارم که مخالفت خودم را عرض کرده ام و البته در این فضا خواهد ماند عرض می کنم اگر شما يك مأموری را بيكي از ممالك اروپا فرستادید و بتصویب و دستور وزارت امور خارجه آن مأمور مشغول کار شد

آیا تصور نمی فرمائید که این قانون بعد از تصویب عملیات مأمورین را محدود می کند چون اینجای نویسد پس از انقضای پنج سال مأمورین بدون فوت ساعتی باید بایران بیایند آنوقت شاید يكماه قبل از انقضای مدت پنج سال بيكي از مأمورین دستور العملی داده شد و آن مأمور هم مشغول انجام آن کار گردید در اینصورت اگر سه ماه چهار ماه آن کار مدت لازم داشته باشد این مأمور مجبور است در بین عملیات کارها را زمین گذارد و بایران بیاید و هیچ نتیجه از عملیات آن مأمور گرفته نمی شود

تا بیا در صورتی که آقای مخبر و آقایان موافقین اینقدر از توقف مأمورین خودشان در خارجه هراسناك هستند که برای آنها قانون می نویسند بنده عرض می کنم اگر يك مأموری مطابق دستور العمل وزارت

خارجه رفتار نکرد و مدت پنج سالش هم تمام شد و بایران نیامد آیا برای او مجازاتی هست یا خیر در این قانون هم که چیزی پیش بینی نشده است بنده در صورتیکه با اصل این قانون مخالفم معذالک با این ماده موافقم که باید مأمورین وزارت امور خارجه پس از مدت معینی که در خارجه هستند بایران بیایند و البته اگر مأموری حتم بداند که پس از مدتی بایران مراجعت خواهد کرد خوبتر و بهتر کار می کند ولی تهور نمی فرمائید که بعد از فرستادن مأموری ممکن است پس از شش ماه مقتضیات سیاست یا عدم لیاقت مأمور ايجاب کرد که آن مأمور تغییر کند و آن مأمور هم در نقطه ایست که امروز نمیتوانید بعضی عملیات بکنید آیا در اینصورت چه باید کرد

رئیس - آقای ملك الشعراء مخالفید ؟

ملك الشعراء - بلی
رئیس - آقای وحید الملك (اجازه)

وحید الملك - من می بینم مخالفین این ماده بدون استثناء داخل در کلیات این لایحه میشوند و در موضوع خود این ماده مذاکره می کنند این ماده دارای سه چیز است که ممکن بود موافقت یا مخالفت با آن سه چیز بشود یکی اینکه نوشته شده که سفراء و وزراء مختار دولت علیه ایران در خارجه ممکن است آقایان ایراد بفرمایند که چرا کلیه مأمورین سیاسی نوشته نشده است ما موافقین هیچ ایرادی باین مسئله نداریم که چرا فقط سفراء و وزراء مختار نوشته شده است حالا اگر آقایان مخالفین مالبه که کلیه مأمورین سیاسی نوشته شود ما هم حرفی نداریم و موافق هستیم یکی دیگر مدت پنج سال اقامت در خارجه است بنده راجع باین موضوع هم از آقایان مخالفین چیزی نشنیدم و اعتراض نفرمودند و اگر آقایان نمی خواهند پنج سال باشد پیشنهاد کنند که چهار سال معین شود ولی عقیده ما موافقین این است که از پنج سال تجاوز نکنند و پنج سال کافی است در پیشنهاد آقای حاج نصیر السلطنه هم چهار سال نوشته شده بود ولی کمیسیون خارجه بعد از جلب نظر آقای وزیر امور خارجه چهار سال را پنج سال کرد و ممکن بود آقایان اعتراضی در این مدت داشته باشند ولی بنده در این موضوع هم اعتراضی ندیدم يك نکته دیگر هم آمدن مأمورین است بایران و يكسال توقف آنها در اینجا در این خصوص نیز از طرف آقایان ایرادی نشد عقیده موافقین این است که مأمورین پس از انقضای مدت پنج سال حتماً باید بوطن خودشان مراجعت نموده و يكسال هم در مملکت خودشان توقف نمایند و باز اگر دولت صلاح دانست پس از يكسال بخارجه

بروند در اینجا هم عقیده بنده این است که بمحل اولیه خود نروند و به نقطه دیگر مأمور شوند بهرجهت در اینجا هم از طرف آقایان اعتراضی ندیدم اما سیاست ایران بنده عرض میکنم که سیاست هم داخل این ماده نمی شود و بطور کلی سیاست دولت علیه ایران باتمام ممالك صلح است و ما با هیچ يك داخل در جنگ نیستیم و سیاست ما هم تغییر نمی کند و در این ماده هم داخل نمیشود

رئیس - آقای ملك الشعراء (اجازه)

ملك الشعراء - بنده اساساً با تجدید نظر در قوانین موافق هستم حتی آن یادداشتی که بعضی از آقایان تهیه کرده بودند که در کمیسیون خارجه تجدید نظری در قوانین بشود آنرا هم امضاء کرده ام ولی پس از مطالعه در این لایحه مجبور شدم که بعنوان مخالفت اجازه بخوام و مطالب خودم را اظهار کنم زیرا موافق نظر آقایان مخالفین بر این دو ماده ضرری مترتب است که نمی شود جبران کرد و تقریباً قسمت اعظم از استدالات بنده را هم فرمودند ولی از طرف آقایان موافقین يك دلائل کافی که بتواند لافلی بيكي از مخالفین را قانع کند گفته نشدند مذاکرانی که ابتدا می کردند این بود که بواسطه دور بودن از مرکز از اوضاع مملکت بی اطلاع خواهند بود و بالاخره زبان مادری خود را فراموش خواهند کرد یا اینکه آقای وحید الملك می فرمایند مأموریت خارجی مثل يك مدرسه است که يك وزیر مختار برود در خارجه تحصیل کند آیا اینها يك چیزهایی میشود که بتواند يك پارلمانی را قانع کند ؟ و بالاخره در يك موقعی که مربوط است به پلتیک و سیاست و باید دست دولت را باز گذاشت و آزاد گذاشت در يك چنین موقعی این استدالات آقایان موافقین نمی تواند عقیده مثبتی را ايجاب نماید اما مسئله اطلاع و عدم اطلاع که فرمودند اگر راجع باشد سیاست مملکت و پلتیک زوال دولت البته در هر جای دنیا که يك نفر ایرانی مربوط با يك وزارتخانه باشد اگر در وظیفه خودش مواظبت داشته باشد می تواند تمام قضایای داخلی آن مملکت را بفهمد و بسنجد و بدولت ایران اطلاع دهد و عقیده ما را نسبت باطلاهی که دارد بسنجد ولی اگر مأمور ناایق و لاابالی باشد هزار مرتبه هم بایران بیاید ابتدا نمی تواند از جزئیات سیاسی مملکت خودش اطلاع پیدا کند و اینکه شاهد آوردند آقای علانی و بعضی دیگر را که این آقایان در کارهای خودشان در مدت مأموریت خوش رفتاری کرده اند علتش این بوده که در ایران بوده اند و اطلاعات کامل

داشته اند مرضی می کنم در عین حال فراموش فرمودند که مأمور مقیم مسکوی مابا اینکه در ایران بوده و اطلاعات زیاد هم داشته معذالك بر خلاف انتظار آقایان شاید نتوانسته امیدواری ایشانرا صحیحاً تامین کند بطور کلی نمی شود يك نظریه اتخاذ کرد و گفت اگر مأمورین خارجی مابایران بیایند و مدتی توقف کنند بهتر از مأمورینی که مدتی زیاد در خارجه اقامت کرده اند میتوانند انجام وظیفه دهند خیر اینها اشتباه است و همه مسئله که موجب شده این بوده که يك افکار با جدیت و ذکاوتی روی کار نبوده و بعقیده بنده مثل اینکه دولت های گذشته در تمام قضایا سهل انگاریها بکار برده اند در مسئله مأمورین خارجی هم این سهل انگاری را ننوده اند اشخاص نالایق برای خارجه معین کردند ثانیاً آن اشخاصی را بواسطه عدم مراقبت و مسامحه کاری نتوانسته اند یا نتوانسته اند از نقاط مأموریت تغییر بدهند و اگر چنانچه مأمورین خارجی برخلاف ترتیب و کار بر اداری بيك فوای خارجی متوسل شده اند و دولت نمی توانسته در مقابل آن توسط مأمور خود را تغییر و مجازات بدهند و بالاخره يك مفاسدی تولید می شده حالا برای اصلاح آن مفاسد می خواهیم يك قانونی وضع کنیم که در عین حال این قانون يك مفاسد دیگری دارد و اما این استدلال را که آقایان می فرمایند (زبان خود را فراموش کرده اند) بنده در می کنم این يك چیز مضحکی است که اگر يك مأموری دو سال بکجائی بماند زبان فارسی را فراموش کند بملاوه ممکن است يك مأمور خارجی زبان فارسی را خوب بداند و در ادبیات کاملاً ذی دخل باشد لیکن در سایر کارها خوب نباشد و سهل انگاری آنوقت اینطور مأمور بچه کار ما می خورد شما از مأمور ایافت و وطن پرستی و خدمت می خواهید و به ادبیات او نمیتوانید تکیه کنید و بواسطه ندانستن ادبیات آنها را احضار کنید ما وزیر مختار داشتیم که شعر می گفتند و دیوان هم داشتند ولی دروغاز کار نمی کردند و از آنطرف وزیر مختار هم داشتیم که شاید مواد فارسی هم نداشته و چقدر برای سیاست دولت نافع و خدمتگذار بودند و استدعا دارم دیگر این دلیل را تکرار نفرمایید ولی از نقطه نظر عقیده شخصی عرض میکنم که در مسائل سیاسی و پلتیکی دست دولت را نمی شود بست و از مأمورینی که انتخاب می شوند ما باید صحت عمل و ایافت و وطن پرستی در نظر گرفته شود و اگر در این قدم اول، مسامحه نکردیم و بغواش و توصیه اهمیت ندادیم و بفشار داخله و خارجه خودمان را نباختم و این قدم اول را درست گذاشتیم در سایر قضایا دچار اشکال نخواهیم شد.

بنده موافقم که تمام مأمورین خارجه را بلا استثناء معزول کنند و بطهران احضار نمایند.

ولی در صورتی که دست دولت را باز کنند که هر وقتی بخواهند بتوانند مأمورین خود را احضار و عوض کنند پنج سال پنج سال یا در هر ماه نه اینکه يك قانونی وضع کنیم که در سر پنج سال مأمور مجبور باشد بیاید ممکن است در عین اینکه بمأمور خود در فلان نقطه احتیاج دارد یا قضاایائی اتفاق افتاده که توقف فلان مأمور در آن نقطه لازم است و در يك چنین موقعی که ممکن است وجود این شخص فواید گزافی به دولت برساند ما بیاییم و دولت را مجبور کنیم که مأمور خود را بردار چون پنج سال تمام شده است و دولت مطابق قانون مجبور بشود او را بردارد و اینکه نوشته شده است (که برگردد بایران و یکسال اقل بماند) البته تصدیق می فرمایید که در مسائل سیاسی و پلتیکی ممکن است يك هفته غیبت يك مأمور متخصص و با اطلاع قضیه مهمی را معطل کند.

در این صورت چگونه ما یکسال مأمور را معطل کنیم که در طهران بماند برای اینکه قانون گفته است عقیده بنده اینست که در این قبیل مسائل باید دست دولت را باز و او را آزاد گذاشت و باید تمام ماها سعی و کوشش کنیم که قانون اداری و قانون استخدام را زودتر از تصویب مجلس شورای ملی بگذرانیم و وزارتخانه ها را از این حال ضعف نجات بدهیم باید سعی کنیم که حکومت مقتدر صالح معتد در مملکت ایجاد کنیم باید کاری بکنیم که کابینه های ما اقل پنج سال شش سال با قدرت و اقتدار دوام پیدا کنند تا بتوانند مأمورین فاسد را قلع کنند و مأمورین صحیح بجای آنها بگذارند و قانون هائی که دست دولت را می بندد نباید وضع کرد و قانونی که منتها موجب ابداع او بجیت فساد يك وزیر مختار و یا يك قونسول و یا يك ژنرال قونسول باشد او را نمی توان قانون نامید قانون باید تکیه اش بعمل باشد تکیه اش بحقیقت و اجتهاد باشد نه اینکه از نقطه نظر احساسات و اینکه فلان زید و همر و چون در مأموریت خود به رفتاری کرده اند لذا ما بیاییم و يك قانونی وضع کنیم که دیگر نتوانند تردد کنند این نکته گاه ثابتی نخواهد بود و ابدأ این قانون بموقع اجرا گذاشته نخواهد شد و بهیچوجه بدولت کمک نخواهد کرد و البته آن قوانین که معکی بفلسفه نباشد نمی تواند مورد استفاده واقع شود آقای از باب دريك قسمت يك اظهاری فرمودند که بنده یادداشت کردم فرمودند (خرابی ما بواسطه خون فاسد مأمورین سیاسی ما در خارجه است)

بنده در عین اینکه تصدیق دارم که مأمورین ما در خارجه مخصوصاً يك قسمت از آنها که وجودشان باعث این افکار و نظریات شده است البته نتوانسته اند بما خدمتی کنند و شاید مضار بهم برای ما داشته اند ولی تصدیق کنید که خرابی ما بواسطه خون فاسد خود ما بوده است نه آن مأموران مأمور فاسد را ما فرستاده ایم وقتی ما او را احضار کردیم و او بواسطه متوسل ببعضی مقامات شده است ما بآنها نگفته ایم شما حق ندارید حمایت از مأمور دزد و فاسد بکنید پس بالاخره فساد خون از ما است و اختلال مملکت بواسطه اهالی خود مملکت است اگر ما می توانیم در اصلاح مأمورین خارجه خودمان قدم برداشته و موفق باصلاح آن شویم برای این است که در اصلاح خودمان قدم برداشته ایم از این جهت است که فلان مأمور هم می رود و قرارداد می منعقد می نماید که آن قرارداد منافی منافع و مخالف مصالح مملکت ما است بعضی بعقیده بنده نباید تمام مفاسد را بفاسد خون چهار نفر مأمور محول و محدود کرده و برای مدت توقف آنها در خارج قانونی وضع کنیم بنده بکلی با این قضیه مخالفم و عقیده مند هستیم که در مسائل سیاسی و پلتیکی باید همیشه دست دولت را باز گذارد و بنا بر این معتقدم که این قانون باید دو مرتبه بکمسیون عودت کرد با مطالبات عقیقه و دقت کامل يك چیزی بطور ماده واحده وضع و بمجلس پیشنهاد کرد که در خارج اسباب استهزا و خنده نباشد

رئیس - آقای آقا سید یعقوب اجازه

آقا سید یعقوب - اولاً لازم است

در جواب فرمایشات آقای ملک الشعراء که مفرمان دست دولت را باید باز گذارد و او را در مسائل پلتیکی و سیاسی آزاد و مختار کرد عرض میکنم با اینکه ایشان با يك فصاحت و بلاغت و لحن ادبی مطالب را بیان و تقریر فرمودند بنده درست نفهمیدم چه طور می شود در يك مملکت قانونی دولت را کاملاً آزاد و مختار نمود دولتی که دارای قوه مقننه است لذا نیایستی در مسائل سیاسی آزاد و مختار باشد و هر چه میخواهد بنا بر میل و اراده اش انجام دهد دولت را باید مقید کرد که عملیات او را در تحت قانون و با مراجعه بقانون باشد پس قانون استخدام را برای چه انشاء میکنیم برای این است که دولت نتواند بمیل و اراده شخصی هر کسی را بخواهد تغییر داده و دیگری را بجای او منصوب و برقرار کند

بلی اگر خدا خواست و چند سال از عمر مشروطیت ایران و قانون ایران گذشت و تمام افراد دانستند که وظایف صلیبه مأمورین در تحت قانون باید باشد آنوقت

این فرمایشات ایشان شاید بی مورد نباشد ولی ما شانزده سال تمام است که وضعیات را ملاحظه و مشاهده کرده ایم روش کابینه ها و طرز مشی دولت ها و وزراء و دانستند و بکنه و رموز مسائل در این مدت واقف و آشنا شده ایم آنوقت امروز هم که ما می توانیم از عملیات آنها جلوگیری کنیم باز هم از انجام این مهم خودداری و غفلت کنیم.

ثانیاً اگر نظر مبارك باشد اگر حافظه ها وفا کند اگر اندك ملاحظه و مراجعه بسطور جریان و روزنامه ها بشود ملاحظه خواهید فرمود چقدر دولت برای تغییر يك نفر مأمور خودش در بلز يك اقدام نموده و بالاخره موفق نشد

در این صورت ما ناچاریم این مسئله را از راه وضع قانون و طرق قانونی جلوگیری و تأمین کنیم چون قدرت دولت بواسطه مجلس است آقای تدین فرمودند این قانون این مقصود را تأمین نمیکند بنده میگویم قانون حکم وزیر را واجب الاجرا می کند و حکم وزیر که بموجب قانون باشد واجب و حتمی الاجرا میشود و بعضی اینکه سال گذشت وزیر بفلان مأمور خواهد نوشت که بموجب قانون مصوبه مجلس باید از خطه مأموریت خود بیائی در اینصورت چگونه می تواند مأمور تخلف کند و نیاید اما اینکه آقای ملک الشعراء فرمودند بواسطه آمدن فلان مأمور بایران و توقیف او در مدت یکسال شاید خیلی از مسائل سیاسی از بین رفته و در نتیجه بی اثر و بی فایده بماند بنده تصور می کنم این مسئله هم وجود عتق مأمور و الاستم و معدوم الجسم باشد بواسطه اینکه هر سفارتخانه دفتر دارد مأمورین دیگر و اجرا و شارژ دافر دارد و بوسیله پست و تلگراف دستور العملها لازم و مقتضی از طرف دولت به آنها داده می شود راه مراسلات و مضاربات و مذاکرات باز و مفتوح است

دنیای امروز دنیائی نیست که روابط ملل با یکدیگر مقطوع باشد که اگر يك نفر مأمور دولت بایران بیاید بیکرو مسائل حفظ سیاست بکلی از بین برود پس اینها قضایای فرضیه و خیالاتی هستند که ابدأ وجود خارجی ندارد مخصوصاً افراد نادان و الوقوع هیچ مغل قانون نمی شوند شما چرا بکنفر فردنادر را تصور می کنید و آن را می خواهید میزان و مدرک قرار دهید گمان نمی کنم هیچ فلسفه این حکم را بکنند مسئله دیگری که فرمودند این بود که تغییر سیاست موجب تغییر مأمور نمی شود خواستم جواباً حضور آقای مدرس عرض کنم ما وقتی که داخل مشروطیت شدیم گفتیم از دوره تجدد و انقلاب داخل در کار بوده اند دارای افکار و عقایدی هستند که آن

افکار و عقاید امروز در محیط ایران موجود و حکم فرما نیست امروز بدرد کار نمی خوردند از اینجهت می گویند آقای ممتاز السلطنه باید بایران بیاید و به بیند در مملکت ما که مجلس هست و قوانین جاریه از آنجا می گذرد ترتیبات چه شکل است بنده کار بشخص ندارم عرض می کنم تمام این مأمورین خارجه باید بایران بیایند و ترتیبات امروزی مملکت را مشاهده کنند و به بیند ترتیبات طور دیگر و طرز دیگری است آن ترتیبات سابق و حکومت کیف مایشائی دیگر وجود ندارد و قطع و فصل امور و مشکلات سیاسی و غیره با حکومت شوروی است نه بامر و حکم صدر اعظم

عرض می کنم که آنها باید بایران آمده از کیفیت و ترتیب اوضاع و سیاست امروزه آگاه و مطلع شوند زیرا حالا هیچ وجه آنها از جریان و ترتیب امور واقف نیستند و اطلاعی ندارند شما خودتان مسافرت کرده و بقدر کفایت از مجاری امور و جریان اوضاع مستحضری دولت ناچار است سفرا و مأمورین خود را احضار کنند و بآنها اطلاع دهند آنها را مستحضر کنند که رژیم اساس ما تغییر کرده و نوع دیگر است و برای حصول این مقصود چاره جز تمسک بقانون نداریم که پس از طی مراحل لازمه آن را دست دولت بدهیم و او هم مطابق آن قانون عمل و رفتار کند و این مسئله جز از این راه از طریق دیگری تأمین نمی شود زیرا همه چیز باید مستند بقانون باشد و اجرای قانون بروز و تراوش نماید اما آمدم بر سر مدت پنجسال بطوریکه آقای وحید الملک و سایر موافقین محترم بیان کردند مقصود این بود که مدت اقامت آنها در خارجه از سه سال تجاوز نکنند این که از سه سال کمتر نشود غیر ممکن است یکسال یا دوسال بیشتر یا کمتر باشد غرض این است اگر خدای نخواسته یا اندازه سال تجاوز نکنند آنوقت بعد از مدت سه سال و عمر توقفش در خط مأموریت منقضی شد مجدداً بایران آمده اوضاع و احوال را مشاهده و ملاحظه کند و مرتبه عودت نماید و سلامتی تشریف ببرداگر هم نخواست مختار است

رئیس — آقایان با تنفس موافقت ؟

گفته شد بلی

(در اینوقت جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل شد)

رئیس — در ماده اول مذاکرات کافی است یا نه ؟

اظهاری نشد

رئیس — آقای محقق العلما موافق هستید ؟

محقق العلما — بلی بنده در

زمینه موافقت یک عرض دارم

رئیس — آقای دولت آبادی چطور ؟

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی — بنده هم موافقم

رئیس — آقای محمد هاشم میرزا چطور ؟

محمد هاشم میرزا — بنده هم موافقم

رئیس — آقای تدین هم موافقت ؟

تدین — خیر بنده مخالفم

رئیس — بفرمائید

تدین — آقای وحید الملک در ضمن بیانات خود اظهار داشتند نظر باینکه

سیاست دولت ایران با کلیه دول مبنی بر صلح و صفا است باین جهت سیاست تغییر پیدا نخواهد کرد و فقط تغییر سیاست موجب

و مستلزم تغییر نمایندگان خواهد بود بنده گمان می کنم که هیچ ملازمه بین اینکه

سیاست صلح جو یا نه داشته باشیم و مأمورین خود را تغییر دهیم نیست مگر فقط در موقع جنگ

نمایندگان سیاسی تغییر می کنند ؟ خیر در همین طهران مکرر دیده ایم در موقع صلح

و صفا مأمورین سیاسی تغییر و تبدیل میکنند و از طرف دولت متبوعه خود احضار می

شوند در صورتی که ابداً جنگ و محاربه بین ما و آن دولت موجود نبوده پس لازمه تغییر

سیاست جنگ جو یا نه نیست بعلاوه می فرمایند خارجه يك مدرسه عملی است بنده از این

فرمایش ایشان خیلی متأسف شدم زیرا اگر واقعاً نمایندگان سیاسی ایران اینقدر بی

اطلاع و بی بصیرت هستند که باید در خارجه بروند و چیزی بیاموزند پس فایده این

نوع نمایندگان برای ما چیست ؟ اشخاصی را دولت باید بپذیرد و مأموریت بآنها بدهد

که لیاقت داشته باشند و برای حفظ سیاست دولت در آنجا مساعی جمیله بکار برند

علی ایحال اینها يك تغییرات و فرمایشاتی است که فوق ماده در خارج موثر است و

باید نهایت دقت در طرز این بیانات بشود بنده اساساً روح این لایحه را این طور

تصور میکنم چون بعضی از مأمورین دولت سالهای سال است در اروپا یا در جای دیگر

رفته و تاکنون بواسطه عللی نتوانسته آنها را تغییر و تبدیل دهند حالا می خواهند در

اینجا يك یا دو ماده قانونی وضع کنند که بواسطه آن دولت موقت بتغییر و تبدیل آنها

بشود بنده تصور می کنم با تصویب این ماده قانون هم آن عمل کاملاً مرتفع و برطرف

نخواهد شد باید اقداماتی کرد که آن عمل رفع شود اما اینکه آقای آقاسید یعقوب

فرمودند اگر دست دولت باز باشد و دولت مختار باشد منافای اصول مشروطیت است

گمان میکنم این فرمایش ایشان اساسی نباشد مقصود از باز بودن دست دولت این

است که در اجرای وظایف خود آزاد باشد بنا بر این البته دست دولت در حدود وظایفش باید باز باشد بهر حال بنده يك قسمت از مخالفتم را قبلاً عرض کردم حالا هم تکرار میکنم اولاً علت اینکه تنها اختیاص بوزراء مختار و سفراء داده چیست و چرا اسم کلیه مأمورین سیاسی در اینجا قید نشده است ؟ ثانیاً چرا اختیاص بپنج سال می دهد و علت اینکه پنج سال باشد و کمتر نباشد چیست ؟ خوب است مدافعین محترم این لایحه علت و فلسفه این نکته را بفرمائید تا مخالفین هم متقاعد شوند و اینکه میفرمایند بمدت پنجسال اهمیت نمیدهیم و اگر مخالفین بخواهند ممکن است مدت اقامت را از پنجسال کمتر هم پیشنهاد کنند معنی این عبارت هم اینست که اگر مخالفین سه سال پیشنهاد کنند کمبیزین قبول دارد و باین ترتیب معلوم میشود کمبیزین در این دائمی که داده است جدی نبوده بلکه همینطور سطحی و خیالی پنجسال را در نظر گرفته است در صورتی که کمبیزین باید با در نظر گرفتن يك سلسله ادله و براین فلسفی يك چیزی را بدهد و حتی الامکان از رای خود مدافعه کند گذشته از این آیا دلیل اینکه برای توقف در ایران یکسال معین کرد و بعد از یکسال حتماً باید بروند چیست اجباری مگردارند هر وقت دولت مقتضی دانست او را مجدداً می فرستد دیگران قید برای چیست اینجا که حقیقتاً دست دولت بسته میشود بعلاوه عده از سیاسی ما در خارجه افتخاری و از اهل خود آنجا هستند و ابداً ایرانی نیستند آنها را چرا اینجا استثناء نکرده اند اگر مثلاً بعضی از ملل مسیحی یا ملل دیگر افتخار نمایندگی ایران را قبول کرده باشند معنی این ماده این است که آنها هم باید احضار شوند و این قانون شامل حال آنها هم میشود ما چه حق داریم يك عده اشخاصی که جزء يك ملت و دولت دیگری هستند بصرف این که افتخار نمایندگی ما را قبول کرده اند آنها را هم مشمول این قانون قرارداد و احضارشان کنیم پس مأمورین افتخاری هم باید مستثنی شوند در صورتیکه در این ماده هیچ ذکری از آن نشده بنا بر این خوب است آقایان موافقین فلسفه این دوسه چیز را که بنده عرض کردم بفرمائید تا متقاعد شوم و بعلاوه وضع این قانون برای عللی است که فعلاً موجود شده است حالا آقایان همچو تصور میفرمایند که با وضع و تصویب این قانون ممکن است رفع آن عمل بشود بنده خیال میکنم این يك دو ماده قطع نظر از اینکه رفع و برطرف کنند آن عمل نخواهد بود ممکن است این يك سطر سهواً نوشته نشده است توضیح شد از نقطه نظر حقوق بین المللی و نمایندگی سیاسی دول مزاحمتی برای ما ایجاد کند پس اخیراً هم باید در نظر گرفت که آیا مبادرت باین امر

مزاحمت با اصول حقوق بین المللی پیدا می کند یا خیر؟ در هر حال این قضایا باید بیشتر طرف توجه آقایان واقع شود در این موقع از طرف بعضی هم میگویند تمام شد آنوقت حرف خواهم زد بنده چون مکرر کنفرانس داده و منبر رفته ام باین جهت اگر مذاکراتی دریای منبر من واقع شود از میدان در میروم و سبکته هم به خیال من وارد نمی شود زیرا از این ترتیبات زیاد دیده ام بنابراین تکرار عرض می کنم پیشنهاد اول بنده اگر قبول شود کاملاً مقصود حاصل می شود و این پیشنهاد خود را عیالنا بمقام ریاست تقدیم می دارم و اگر آقای مخبر فرمایند که دارند بفرمایند بعد بنده دفاع خواهم کرد

رئیس — آقای مخبر توضیحات خود را می فرمایند بعد اگر آقایان موافق باشند رای خواهیم گرفت

مخبر — آقای تدین دو سه نکته

بیان فرمودند که باید جواباً توضیح عرض کنم اولاً اظهار تأسف فرمودند از اینکه

چرا اظهار شده است این مأموریت بمنزله مدرسه است و فرمودند مأمورین باید قبلاً

در شان را خوانده باشند عرض از مدرسه که اظهار شد این بود که مأمورین در

خارجه بروند و در کلاس درس بخوانند از نقطه نظر عمل تمام خدمات دولت برای

اشخاص و اجرا بمنزله مدرسه است و هر کس از روز اول داخل خدمت دولت می شود

ارتقاء رتبه او از درجه پائین ببالا برای او بمنزله مدرسه است و هر که درجات این

مدرسه را بیشتر طی کند بهمان اندازه مقام اقامت و قابلیت او زیاد تر است

بدیهی است مأموریکه دوسال در يك نقطه و با دو سه سال دیگر در محل دیگر و

بعبارت اخیری چند سال در نقاط مختلف مأموریت پیدا کند بهمان اندازه بر معلومات

و تجارب او افزوده خواهد شد پس خدمت دولت عملاً مدرسه است که هر چه زیادتر

خدمت کنند زیاد تر معلومات حاصل می کنند مثل شاگرد طب که بعد از بیرون

آمدن از مدرسه هر قدر بیشتر مریض معاینه کند و بیشتر در مریضخانه کار کند

اطلاعات و تجارب او بیشتر خواهد شد اما راجع بمسئله پنجسال که فرمودید گویا

کمبیزین در رأیش جدی نیست خیر جدی است و در لایحه اولیه که پیشنهاد شده بود

چهار سال معین شده بود در این مطلب در کمبیزین مذاکره شد و نظر باینکه مأمورین

دولت بتوانند کاملاً سیاست دولت را اعمال کنند قرارداد حداکثر پنجسال نوشته شود

هیئت دولت هم پنجسال را لازم دانستند ولی البته اگر دولت در سنوات اول دید

آن سیاست را که مأمور تعقیب می کند با

سیاست مرکز مناسب نیست آنوقت می تواند زودتر او را احضار کند و اینکه فرمودند چرا مأمورین افتخاری مستثنی نشده اند لازم است خاطر آقایان را متذکر کنم که هیچ مأمور افتخاری بسمت سفارت یا وزیر مختار یا سفیر مقیم معین نشده است و بطوریکه در این لایحه ملاحظه می فرمائید این ماده قانون فقط شامل اعضای رئیس و سفرا و وزرای مختار است نه اجزای جزء حالا اگر بعد مدلول این قانون شامل حال تمام مأمورین خارجه بشود البته مراعات این مسئله شده و لفظ افتخاری هم علاوه خواهد شد اینکه فرمودند آیاتنصور نمی شود این تغییرات با قوانین بین المللی مخالف باشد غیره هیچ همچو قوانین بین المللی که منافی با این لایحه باشد وجود ندارد اگر فرضا همچو چیزی باشد خود این ترتیب خیلی برخلاف قانون بین المللی است و باید با وضع این قانون آن خلاف قانون را لغو کنیم و ازین برداریم (بعضی گفتند صحیح است)

رئیس - در این باب مذاکرات کافی است ؟

ارباب گنجینه - بنده توضیحی دارم .

رئیس - بفرمائید

ارباب گنجینه - توضیح بنده راجع باظهاری بود که آقای ملک الشعرا فرمودند گویا با ایشان اشتباه فرموده یا بیان بنده ناقص بوده است بنده هیچوقت نخواستم بگویم مأمورین خارجه ما فاسدند بلکه بنده عرض کردم قلب سیاست ما بواسطه خونها فاسدیکه در آن داخل شده اصلاح لازم دارد و البته مقصود بنده هم این بوده است که تمام مأمورین ما فاسدند زیرا آن عیبی که عاید می شود اگر عاید نمی شد قطعاً اوضاع سیاسی و وضعیت اقتصادی ما بهتر از حالیه بود اگر مأمورین خارجه ما کاملاً بواسطه مرجوعه خود قیام کنند بهیچوجه ما حاجت بقشون و تهیه سایر لوازمات دیگر نداریم و خیالمان از هر جهت فارغ تر و راحت تر خواهد بود آیا این برای چیست ؟

برای این است که یک عده مأمورین ما در نتیجه طول مدت اقامت خود در خارجه بکلی از ادای وظیفه و وظایف خود بی اطلاع می مانند یک ملت عده که این لایحه پیشنهاد شده است همین است

رئیس - چند فقره پیشنهاد رسیده قرائت میشود

(هشت فقره پیشنهاد بشرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد اول - پیشنهاد می نمایم

ماده ذیل قائم مقام لایحه بشود

ماده اول - هر يك از مأمورین سیاسی ایران در خارجه که تبدیل مأموریت یابد

یا احضار شود و تخلف نماید از مقام خود منفسل خواهد بود امین الشریعه و آقا سید محمد تدین

۲ - بنده پیشنهاد می کنم که بجای کلمه سفرا و وزرای مختار کلمه مأمورین دولت علیه در خارجه نوشته شود حاج میرزا مرتضی

۳ - بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول این قسم نوشته شود مدت مأموریت کلمه سفرا و وزرا مختار و مقیم و زارزدافر و ژنرال قنصلهای دولت علیه ایران الی آخر

ماده يك بشریکه در ماده اول نوشته شده است رئیس التجار

۴ - مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد می نمایم که این رایورث بکمیسیون خارجه عودت داده شود و قانونی برای استخدام وزارت خارجه تهیه نموده تقدیم مجلس نمایند تا اینکه تمام نظریات مقتضیه پیش بینی شود مستشار السلطنه

۵ - بنده پیشنهاد می کنم ماده اول لایحه طرح قانونی راجع بنمایندگان سیاسی دولت ایران در خارجه بطریق ذیل اصلاح شود مدت مأموریت کلمه مأمورین دولت ایران در ممالك خارجه نباید از ۵ سال تجاوز نماید جلیل الملك

۶ - بنده پیشنهاد می کنم در ماده اول بعد از کلمه مقیم قنصل ژنرال ها و قنصل ها هم علاوه شود

متنصر الملك

۷ - پیشنهاد می کنم که بجای لااقل الی آخر نوشته شود سیاست مملکت الزام می نماید مدرس

۸ - بنده پیشنهاد می کنم کلمه مأمورین و دولت علیه را لااقل یکسال را هم بیامورد می دانم بلکه مدتی که منوط بنظر دولت باشد معنی العلماء

رئیس - این پیشنهادها ارجاع می شود بکمیسیون

(ماده دوم قرائت می شود)

ماده دوم - این قانون کلیه نمایندگان سیاسی دولت ایران را که در خارجه وضع این قانون بیش از پنج سال از خارجه سمت های مذکوره در ماده قبل را دارا بوده اند شامل خواهد بود

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی بنده موافقم .

مستشار السلطنه - بنده تصور می کنم تکلیف پیشنهاد بنده جزء همین شور باید معین شود زیرا بنده پیشنهاد کرده ام این لایحه که فعلاً در تحت مذاکره است مبنی بر گردد بکمیسیون خارجه و پس از تهیه قانون استخدام برای مأمورین

دیلماسی آنوقت این نظریه بنده و يك سلسله نظریات دیگری که اغلب نمایندگان آقایان و کلاه دارند البته در آن قانون پیش بینی خواهد شد غرض این است که مدلول پیشنهاد بنده غیر از سایر پیشنهاد آقایان است

رئیس - صحیح میفرمائید

حاج شیخ اسدالله - خوب بود وقتی که در کلیات صحبت می شد آقای مستشار السلطنه این پیشنهاد را می فرمودند حالا پس از آنکه مجلس رأی داده است داخل در شور مواد بشویم این پیشنهاد دیگر مورد ندارد و برخلاف رأی نیم ساعت قبل مجلس است

رئیس - معلوم می شود جناب عالی رأی نخواهید داد

مستشار السلطنه - بنده توضیحات خود را می دهم بعدا اگر پیشنهاد رد شد باید از مجلس رد شود

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - بنده گمان می کنم اگر این ماده دوم را تصویب کنم کار بروزر خارجه قدری مشکل شود زیرا بعد از گذشتن این ماده اگر تمام سفرا و وزرای مختار را تغییر و تبدیل دهند آنوقت قائم مقام آنها را از کجا پیدا خواهند کرد ولی ما را بجای آنها منصوب کرده اند و خواهند فرستاد ؟

پس حالا که تغییر می کنند خوب است اقل طوری باشد که از مملکتی بمملکت دیگر منتقل شوند مثلاً از مملکت فرانسه بانگلیس و از انگلیس با آلمان و از آنجا باطریس و جای دیگر تغییر و تبدیل دهند و در واقع آنها را از نقطه بنقطه دیگر منتقل کنند ولی اگر بخواهند یکمرتبه تمام را تغییر داده احضار کنند عرض آنها را از کجا خواهند آورد

رئیس آقای آقا سید یعقوب با ماده موافقت ؟

آقا سید یعقوب - بلی موافقم

رئیس بفرمائید

آقا سید یعقوب اگر چه قانون نظر بشخص مخصوص و موارد مخصوص ندارد چنانچه مسلم است که تخصیص مورد هم موجب نقص قانون نمی شود بلکه اگر مورد مخصوصی وضع قانون را ایجاب کند البته آن قانون صومیت پیدا خواهد کرد اینکه می فرمایند اگر ما این مأمورین حاله را تغییر داده و احضار کنیم و دیگر کسی را نداریم بجای آنها بکاریم گمان می کنم اگر وزارت خارجه تشریف ببرند ملاحظه خواهند فرمود که یک عده اشخاص تحصیل کرده و جوانان تربیت شده از مواد و مطلع سیاست داریم که در هفده یا هیجده جا

بخواهیم بفرستیم حاضر هستند زیر وزارت خارجه مرکب از یک عده جوانان تربیت شده هستند که روح سیاست مملکت را بغوی می دانند و از مجاری اوضاع امروزه هم کاملاً آگاهند و بمقیده بنده وضع این قانون خیلی لازم است برای اینکه هم سیاست آتیه مملکت بر همه معلوم و هم جوانهای عالم ما مشغول کار شوند غرض این است ما بقدریکه لازم است مأمور آزموده داریم که جای آنها بفرستیم

رئیس آقای حاج شیخ اسدالله آقای وحید الملك موافقت ؟

(گفتند بلی)

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی موافقت یا خیر ؟

حاج میرزا علی محمد - بنده مخالفم .

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا علی محمد دولت

آبادی - هر گاه اکثریت مجلس با این پیشنهاد موافقت کند و ماده اول را شامل کلیه مأمورین سیاسی قرار دهند آنوقت بنده مخالفم زیرا وقتی که بنده تمام مأمورین سیاسی را بخواهند تغییر دهند و احضار کنند آنوقت تمام سفارتخانه ها تعطیل و کارها ناقص خواهد ماند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - تا بحال که آن ماده تغییر نکرده و يك پیشنهاداتی شده که نمی دانم در کمیسیون قابل توجه می شود یا نه عجلتاً پیشنهاداتی که در ماده اول شده مقصود نیست مقصود ماده دوم است و اگر فرضاً آن پیشنهاد هم تصویب شود لازم شود

مأمورینی در خارجه داریم تغییر کنند اشخاص منتظر خدمت و لایقی در وزارت خارجه داریم که جانشین آنها بشوند و هیچ جای تاسف و نگرانی نخواهد بود فرضاً اگر در کمیسیون قرار شد تمام مأمورین سیاسی احضار شوند باز اهمیتی ندارد و ما بآن اندازه اجزاء در وزارت خارجه داریم که جای آنها بروند ما بین مأمورین سیاسی فقط سفرا و مأمورین درجه اول هستند که اهمیت دارند والا از آنها که گذشت نسبت ببطیقات دیگر اشخاص لایق تری که منتظر خدمت هستند داریم که بجای آنها بفرستیم و فعلاً مذاکره راجع باین ماده است و بنده با این ماده کمال موافقت را دارم

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - بنده تصور می کنم تمامه اول مراحل خود را طی نکند ماده دوم مورد ندارد به جهت اینکه در این ماده دوم می نویسد این قانون کلیه نمایندگان سیاسی را شامل خواهد بود و مقصود از لفظ این قانون ماده

اول است پس مادام که ماده اول مراحل خود را طی نکرده و شور اول و دوم در او نشده و تصویب نشده است قانونیت پیدایی کند و داخل شدن در ماده دوم بی فایده خواهد بود و نباید او را محل بحث و مطرح مذاکره قرار داد

مخبر - بنده تصور میکنم بایک اصلاح عبارتی این ایراد آقای تدین رفع شود یعنی بجای لفظ این قانون نوشته شود مدلول ماده اول در این صورت تصور میکنم ایراد آقای تدین رفع شود

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی

(اجازه)

آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - گویا آقای حاج شیخ اسدالله مقصود بنده را درست توجه نفرمودند

بنده عرض نکردم اشخاص ندارم که بجای آنها بفرستیم بلکه اشخاص لایقی در وزارت خارجه هستند که می توانیم همه جا بفرستیم مقصود بنده این بود که اگر آن پیشنهاد تصویب شود آنوقت منحصر به پنج نفر وزیر مختار و سفیر نیست بلکه قنصلها و ژنرال قنصلها و آتاهه ها و مستشارها همه باید بعد از پنج سال توقف بایران بیایند آنوقت تصور می کنم قدری اشکال داشته باشد زیرا مفاد معنی آن این خواهد بود که تمام سفارتخانه ها را تخلیه کنند و همه را یک مرتبه احضار کنند در این صورت اسباب زحمت خواهد شد و الا عرض نکردم اشخاصی نداریم مسئله برایشان گویا مشتبه شده است

رئیس - آقای زنجانی موافقت
آقا شیخ ابراهیم زنجانی - بلی موافقم

مخبر - بنا این ایرادی که آقای دولت آبادی فرمودند معلوم می شود در اصل موضوع مخالفتی ندارند فقط گویا مخالفت ایشان در طرز اجرای این ماده است موقعی که کمیسیون این ماده را نوشت مقصودش فقط احضار رئیس بود و البته وقتی نباشد که بکلیه مامورین خارجه این مسئله تعلق بگیرد آنوقت نظر جدیدی اتخاذ و برای مصارف بعضی محظورات در راپورت ثانوی که تقدیم مجلس میشود پیشنهاد خواهد شد

رئیس - در این ماده مذاکرات کافی نیست؟
(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - دو فقره پیشنهاد رسیده قرائت می شود

(پیشنهاد آقایان زنجانی و رئیس - التجار بمضمون ذیل قرائت شد)

پیشنهاد آقای زنجانی
بنده پیشنهاد میکنم که یک ماده باین قانون به ترتیب ذیل اضافه شود

اجراء این قانون در ظرف شش ماه پس از تصویب و رسمیت بعمل خواهد آمد

پیشنهاد آقای رئیس التجار

بنده پیشنهاد می کنم ماده سوم اضافه شود باین دو ماده وزیر خارجه مأمور است از تاریخ تصویب این قانون شش ماه در تعیین مامورین جدید و احضار مامورینی که این مواد شامل حال آنها می شود اقدام و اجرا نماید

رئیس - پیشنهاد ها به کمیسیون ارسال می شود شور اول تمام شد باید رأی گرفت که داخل در شور دوم بشویم یا خیر؟

آقایانیکه تصویب می کنند داخل شور دوم بشویم قیام فرمایند

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - قانون شورای عالی معارف مطرح است مذاکره در کلیات است آقای شیخ الاسلام

(اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - شورای عالی معارف از مؤسسه های بسیار مهم عالی است بواسطه اینکه وزارت علوم و معارف هر مملکتی کارخانه آدم سازی آن مملکت است و این کارخانه چهاررکن دارد اول اینکه کسی را باید آدم کرد دوم آنکه کی باید او را آدم بکنند سوم آنکه بچه بزرگ باید او را آدم بکنند چهارم آنکه بچه اندازه که رسید آدم میشود بعبارت دیگر کسی باید تحصیل بکند و کسی باید او را تعلیم بدهد و چه باید باو تعلیم بدهد و تا چه حد باید تعلیم بگیرد؟ و تنظیم و تنسيق و حل و تصفیه این چهاررکن را دستورات و نظامنامهائی که شورای عالی معارف ترتیب میدهد معین میکند بعلاوه وظایف مهم زیاد دیگری هم شورای عالی معارف دارد پس اهمیت مقام و موقع خارج از تقریر و بیان خواهد بود

و با این اهمیت موقع و مقام این مؤسسه بدبختانه بنده فصل تشکیلات این قانون را همی نمیدانم و مخالف هستم بواسطه اینکه تقریباً بیست و دو نفر عضو برای این مؤسسه پیش بینی شده است که باید واری سه شرط باشند اول اینکه چهار سال متوالی که چهل هشت ماه باشد خدمت بکنند دوم اینکه در تمام این مدت چهار سال یا چهل و هشت ماه دیناری بابت حقوق مطالبه نکنند سوم آنکه همیشه و بدون تعطیل حاضر برای خدمت باشند و یک چنین ترتیبی امروز در مملکت ما ممکن نیست خوب بر فرض سایر حاضرین آقای وزیر چگونه حاضر میشود و سایر کارهای وزارتی خودشان را در چه وقت انجام می دهند کارهایی را که در آن ها مسئولیت مشترک دارند و مهم است چه می کنند؟ آقای مدیر کل چگونه حاضر می شوند و کارهایی را که قانون اداری وزارت معارف در همدیگر ایشان گذارده است چه می کنند و دو نفر روسای مدارس عالی و متوسط و دو نفر از معلمان مدارس عالی و

متوسط کارهای مدارس خود را چه وقت انجام می دهند و اگر بر بنده جواب داده شود که این مؤسسه دائمی نیست نهایت در هفته دوالی سه روز منعقد می شود با نهایت تاسف عرض میکنم این ترتیب هم عملی نیست اولاً این آقایان در این دوسه روز کارهای خود را چه میکنند؟ ثانیاً چگونه در هفته دوالی سه روز آنهم اگر جمع به شوند دوساعت این همه کارهای مهم که اساس معارف است انجام داده میشود اگر یک مملکتی در دنیا هست که شورای عالی معارف او هفته دوسه روز یا کمتر تشکیل می شود آنجا ایران نیست شورای عالی معارف ایران باید شباهم کار بکند باید ایام تعطیل هم کار بکند باید این رشته های از هم گسیخته را اصلاح کنند در هفته چهار ساعت بیست و دو نفر آدم همین قدر است که یکی دو کلمه حرف بزنند و یا این چند ساعت این کارهای مهم انجام نمیگیرد آقای مخبر در جلسه سه شنبه نوزدهم جمادی الاول در مجلس تصدیق فرمودند که شورای عالی معارف در گذشته ابتدا کار نکرد و نتیجه از آن حاصل نشد و جلسات شاید هفته یک روز منعقد می شد بنده اظهارات ایشان را هبناً در نظر دارم این شخص چه بوده است؟ برای زیادی اشخاص و طول مدت و مجانی بودن کار بر حسب این مقدمات عقیده بنده این است که اعضاء شورای عالی معارف چهار الی پنج نفر از اشخاص عالم کافی با مواظب زیاد وقت هر چه می خواهد باشد که در یک گوشه بنشینند و این کار های مهم را از میان بردارند و مختار هم باشند که وقت خواستند کمکی برای خودشان بگیرند بگیرند و بنده هم می توانم ضمانت کنم که دنیای متمدن از ایران گله نکند که چرا طرز شورای عالی معارف شما این قسم است این عقیده عقیده شخص بنده بود که شاید مابین رفقای خود هم در اقلیت باشم همینقدر از آقای مخبر تمنا دارم که در صورت امکان قبول فرمایند که در کمیسیون معارف مجدداً یک تجدید نظر و دقتی در فصل تشکیلات بشود مطلب دیگر که در فصل تشکیلات این قانون بسیار مهم است این که بین اعضاء یک نفر از مجتهدین جامع الشرایط تعیین شده است بنده به هم خودم از اعضاء محترم کمیسیون معارف بر این تعین تشکر می کنم

در شور اول در این باب طور دیگر عنوان شد از یک طرف عنوان روحانی شد و از یک طرف جواب داده شد که سایرین مسلمان نیستند و حال آنکه گفتگو بر هر مسلمان بودن سایرین نبوده البته همه مسلمان هستند ولی این فقط مسلمانی کافی نیست اینجا علم هم میخواهد این صورت دورس مختلفه در ایام هفته است (ورقه ارائه نمودند) سال اول خانه شرعیات خالی سال دوم هم

چنین سال سوم و چهارم همین طور حالا نه این است که این دستور از روی بی دیانتی نوشته شده خیر نداشته اند و نوشته اند پس اینجا علم هم می خواهد این دستور برای تعلیمات معلمان و معصلین می نویسند بعضی از ناطقین محترم در اینجا توضیح دادند که مقام معلمی بالاتر از مقام ریاست الوزرائی است این مؤسسه باید از برای این معلمان دستور بنویسد مثلاً همین قسم که تا یک جغرافیدان کامل و ماهر در شورای عالی معارف نباشد نمی شود تعیین کرد که در هر سال معصلین هر کلاس و قسمت از جغرافیا را باید بخوانند همین قسم هم تا در این مؤسسه یک نفر مجتهد و مطلع از قوانین اسلامی نباشد نمیتوان تعیین کرد که در هر سال چه قسمت از شرعیات را باید معلم تعلیم نمود خلاصه بعقیده بنده بودن یک نفر مجتهد جامع الشرایط در شورای عالی معارف از هر چیز لازم تر است و دو مطلب دیگر هم هست که باید بعرض آقایان برسانم یکی اینکه البته مبنای امور شوروی بر اکثریت است و وقتی که اکثریت اشخاص که برای یک امری تعیین شده اند حاضر شدند مشغول کار می شوند و در صورتیکه تشکیلات این مؤسسه هم این نوع باشد ممکن است شش ماه بگذرد و این یک نفر عالم حاضر نشود و شورا هم کار بکنند آنوقت در ترتیب دستورات و نظامنامه ها اشکالاتی پیش خواهد آمد باینکه در ماده هفدهم قانون اساسی معارف که در سنه ۱۳۲۹ از مجلس شورای ملی گذشته نوشته شده است دستورات مدارس ابتدایی و متوسط باید تعلیم احکام اسلامی را نیز شامل باشد مهذا در این دستوراتی که برای مدارس ابتدایی و متوسط نوشته شده از قراریکه شنیده ام فعلاً در مدارس معمول و مجری است اسمی از احکام اسلامی نیست در این دو دستوری که در زمان وزارت آقای نصیرالدوله که بنده خدمت ایشان نرسیده ام یعنی در قوی ثل ۱۲۹۸ شمس برای مدارس ابتدایی نوشته شده است یکی چهار ساله و یکی شش ساله افلاک اسمی از قرآن و

شرعیات برده شده است ولی در این دستوری که در سنه ۱۳۳۳ هجری قمری برای مدارس متوسطه نوشته شده از چهار سال از شش سال هیچ اسم فقه شرعیات اسلام دیانت برده نشده این جدول ساعات دروس آنها در ایام هفته است در سال اول خانه شرعیات خالی است سال دوم هم بنظر سوم و چهارم همچنین حالا نه این است که این دستور از روی بی دیانتی نوشته شده باشد کسانی که این دستور را نوشته اند از فقه و شرعیات ربطی نداشته اند آنوقت نتیجه این می شود که جوان مسلمان ایرانی از سن سیزده سالگی اسم فقه و دیانت و اسلام در مدرسه بگوشش نخورده است ولی در

عوض در ساعات مختلفه نقاشی می کرده است مگر این مملکت چند نفر نقاش می خواهد فرض کنید نقاشی هم مقدمه برای بعضی علوم عالییه باشد ولیکن هر چیز باید یک حدی داشته باشد همچنین السنه خارجه از قبیل فرانسه و انگلیسی و آلمانی و روسی حالا زبان فرانسه را می گیرند زبان علمی و زبان دیپلماسی است اما آیا سایر دول هم باین اندازه زبان ما را می خوانند یا خیر؟ سال اول هفته دو ساعت نقاشی سال دوم هفته ۳ ساعت نقاشی سال سوم هفته سه ساعت و چهار ساعت پنج ساعت نقاشی و همچنین است السنه خارجه که تمام جدول را اشغال کرده است

مختبر - فقه و عربی هم دارد

شیخ الاسلام - خوب است در صد نفر نود و پنج نفر نقاشی و زبان تحصیل کنند پنج نفر هم فقه بخوانند اگر ما همین ترتیب پیش برویم تا ده سال دیگر حکمت و قضیت که سهل است کسی نیست که بحث و الشریع را هم بداند و یک نفر نیست که انکحت و طلاق بگوید کسی یافت نخواهد شد که برای یک نیت نماز مسلمان بخواند و تمام امور بزمین می نماید و تمام احکام سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و مدنی اسلام که باید این مملکت را اداره کند از میان میرود مطالب دیگر آنکه بعقیده بنده بعضی از فقرات نوزده گانه فصل وظایف شورای معارف حاکم شرع جامع الشرایط لازم دارد مال جزو سوم و چهارم از اجزاء اربعه فقره سوم و مثل جزو دوم از دو جزو فقره هشتم و جزو سوم از سه جزو فقره دهم و فقره سیزدهم و فقره چهاردهم و فقره شانزدهم تمام اینها حاکم شرع جامع الشرایط لازم دارد زیرا متناهیست و تهیه بودجه و تعیین شهریه مدارس و اعزام شاگرد بخارجه و رسیدگی بدیلمهای خارجه و تصویب اعطای نشان علمی حاکم شرع جامع الشرایط نمی خواهد ولی برعکس بعضی از فقرات نوزده گانه ماده دوازدهم است که فیصله آن بدون حضور یک نفر حاکم شرع و مطلع از قوانین اسلامی شایسته و مناسب نیست مثلاً فقره چهار که می نویسد تهیه و اصلاح دستورات رسمی کلبه تحصیلات فنی و علمی مدارس ذکور و اناث و نظامنامه های مدارس و مثل فقره پنجم که می گوید تهیه دستور تحصیلات مدارس معلمین و معلمات و نظامنامه های راجعه بآنها و مثل فقره هفتم که می نویسد تطبیق تألیفات مخصوصه بمدارس بادستورات رسمی ورد و قبول آنها و مثل فقره یازدهم که آنرا نیز می خوانم تشخیص صلاحیت اشخاصی که اجازه تاسیس مدرسه و امتیاز مجله و روزنامه می خواهند و مثل جزو اولی فقره دوازدهم تصدیق صلاحیت معلمین و معلمات و تهیه نظامنامه مخصوص

بدینجهت بنده پیشنهادی شامل یک تبصره راجع به فصل وظایف تقدیم می دارم دیگر رد و قبول آن بسته بنظر آقای مخبر و آقایان نمایندگان است درخاتمه هم عرض می کنم که بنده ازوم قبل اول از ماده چهارم را نفهمیدم و میگویم خدمت نمایان بمعارف مملکت نموده باشند که اگر فرضاً یک نفر عالم متبحر و صالحی مثل آقا سید جمال الدین افغانی آمد و خواست عضو شورای عالی معارف شود بعزویت قبول نکنند این مسئله ظلم است و بنده نفهمیدم فایده این شرط چیست همچنین در ماده دهم نوشته شده اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست اینرا هم بنده نمی فهمم آیا مقصود این است که در باب اطافی که در آنجا شورای عالی معارف تشکیل میشود بسته نمی شود یا مقصود میز و صندلی و مبل آن اطاق است؟ بموجب هریضی که خدمت آقایان نمایندگان کردم پیشنهادی نموده ام که قرائت می نمایم

تبصره - در مورد فقرات چهارم و پنجم و هفتم و یازدهم از فقرات نوزده گانه ماده دوازدهم قانون شورای عالی معارف و جزو اول از فقره دوازدهم آن ازوم حضور یک نفر حاکم شرع جامع الشرایط حتمی است

مختبر - آقای شیخ الاسلام یا کمیسیون معارف و این لایحه مخالفتی ندارد و اساساً موافقت و اگر بخواهیم جواب ایشان را عرض کنم تکرار مطالب می شود و در ضمن شور مواد بنده بطور تفصیل توضیحات لازمه را داده ام و حالا محتاج نمی دانم تکرار آن توضیحات را بنمایم و فقط در نتیجه می توانم عرض کنم که کمیسیون معارف پیشنهاد آقای شیخ الاسلام را نمی پذیرد

رئیس - آقای امین الشریعه

(اجازه نطق)

امین الشریعه - بنده موافقم

رئیس - آقای وحید الملک

(اجازه)

وحید الملک - از اظهاراتی که در جلسات قبل آقای مخبر در موضوع حذف ماده دهم قانون تشکیلات کردند چنین استنباط شد که در هریض بنده دوسوه تفاهم شده یکی راجع بمخالفت بنده با اساس شورای عالی معارف بنده اصلاً از آن اظهارات در نظر نداشتم مخالفتی با اساس شورای عالی معارف کرده باشم و دیگر اینکه در ضمن تمجیدی که از کمیسیون معارف سابق کردم چنین استنباط شد که یک سوه تفاهمی از برای آقایان اعضاء کمیسیون معارف امروز یا بفرمایش آقای آقاسید فاضل سوه تسامعی پیش آمده است بنده نظر سومی نسبت بکمیسیون معارف نداشتم زیرا اثبات شیئی نفی باعدانی کند بنده یک تمجیدی از اعضاء کمیسیون معارف مجلس دوم کردم و نخواستم خدای نخواسته از مجلس دوره

چهارم خدمتی کرده باشم عقیده بنده این است که مجلس دوم که مجلس دوم یک کوه نور و بر لایان پر قبته است در تاج مشروطیت ایران و تا تاریخ مشروطیت ایران وجود داشته باشد و تاریخ مجلس دوم تا قلم خیلی باب طلا نوشته خواهد بود و در مقابل ما هست در مجلس دوم سه چهار کمیسیون بود که خیلی اهمیت داشت یکی کمیسیون معارف و یکی کمیسیون خارجه و یکی کمیسیون عدلیه کمیسیون بودجه هم با اهمیت بود ولی این سه کمیسیون مهم تر بودند سه نفر از آقایان اعضاء کمیسیون معارف آن دوره در اینجا حاضر هستند آقای مدرس و آقای سلیمان میرزا و بنده حقیر و سه نفر دیگر که اکنون غایبند آقای ذکاء الملک و آقای دکتر علیخان حکیم اعظم و آقای میرزا محمد علیخان ترتیب می باشند این آقایان در آن مجلس به امور معارف تخصص داشتند و انتخاب این کمیسیون هم از روی اکثریت و اقلیت مجلس نبود بلکه نماینده کلی افکار معارفی مجلس بود و آقایانی را که در امور معارف تخصص بودند - انتخاب کرده بودند در آن روزی که آقایان کمیسیون معارف را تشکیل دادند در اوایل سته هزار و سیصد و بیست و هشت اگر در خط مبارک آقایان باشد مرحوم صنیع - الدوله وزیر معارف و آقای نیرالملک وزیر مالیه معاون بودند و لایحه به مجلس آوردند یکی قانون تشکیلات معارف و یکی هم قانون طبابت که بکمیسیون معارف ارجاع شد و کمیسیون معارف ترفیعات خیلی زیادی در دو موضوع کرد مخصوصاً قانون تشکیلات معارف که مجزی شده بمجلس آمد و جلسات چندی وقت مجلس را در گذراندن آن قانون تشکیلات صرف شد و بالاخره در بیست و هفتم شعبان هزار سیصد و بیست و هشت از مجلس گذشت و پس از گذشتن این قانون هم مثل سایر قوانین شد بنده بیست و هشت فقره از این قوانین را اینجا نوشته و یادداشت کرده ام که از مجلس اول دوم و سوم گذشته و هیچ مورد توجه نگردیده اند از این محوطه و از درب بهارستان بیرون رفته و توشیح بصره همایونی شده ولی هیچ مورد توجه نشده این قانون تشکیلات هم که بعقیده بنده یکی از بهترین قوانین بود که از مجلس دوم گذشت جزو همان قوانین شد یعنی هیچ مورد توجه واقع نگردید و بموقع عمل هم نیامد تا اینکه یارسال که بنده متصدی امر معارف بودم دیدم بهتر از این قانون برای معارف قانونی ممکن نیست و در صدد برآمدن این قانون را بموقع اجرا بگذارم اگر چه بعضی اشکالات هم در کار بود یعنی بعضی شعبات که آنها را اداره می نمایند باید مطابق

این قانون دایر شود و آقایان رؤسا یک درجه تنزل کنند و بالاخره پس از زحمات زیاد و جلب هیاهوهای بسیار شدیدی نسبت بخودم این قانون را بموقع عمل گذاشتم در ماده دهم این قانون یک زمینه بسیار خوبی برای شورای معارف قید شده و تمام این مواد که امروز آقایان رأی می دهند از ماده یک تا ماده یازدهم تمام را می نویسد و اگر آقایان بصورت مفصل جلسات آنروز یعنی نطق آقای وزیر معارف حالیه و خود بنده که دفاع میکردیم ملاحظه فرمایند خواهند دید تمام این سؤالات بما متوجه شد مثلاً در خصوص ذکر عده اعضاء می گفتیم که عده اعضاء را نمی شود ذکر کرد زیرا اگر عده اعضاء معین شود تولید اشکال می نماید

اعضاء شورای عالی معارف باید از متخصصین باشد نه از دانشمندان که این قانون می نویسد باید متخصصین در امور معارف باشند اگر پنجاه نفر دانشمند مثل سعدی و حافظ و کونیه و شلیر آلمانی و سایر دانشمندان معروف را بیآوریم عضو شورای عالی معارف بکنیم از عهده تدوین پروگرام و دستور العملهای مدارس بر نخواهند آمد باید اشخاص متخصص بفن حاضر باشند تمام ماها می دانیم ساعت چند چرخ و چند عقربك دارد ولی هیچکدام نمی توانیم ساعت ساعت ساز لازم است همانطور که بنده با ماده واحده نمی توانیم مالیه را اصلاح کنیم همانطور هم یک نفر دانشمند یا یک نفر دیگر که در مالیه خدمت کرده نخواهد توانست برای معارف یک پروگرام بنویسد باید اشخاص متخصص باشند بنده نظر آقای شیخ الاسلام را تقدیس می کنم که می فرمایند برای نوشتن دستور فقه و شرعیات باید یک نفر مجتهد جامع الشرایط یعنی متخصص در فن باشد بنده هم عرض میکنم برای نوشتن دستور شبیه هم باید یک نفر متخصص در فن ادبیات باشد که بداند در فلان کلاس چقدر فارسی لازم است یک نفر ادیب خشک و خاصی این را نمی تواند مرتب کند و باید شخص متخصص در فن باشد آقای مخبر فرمودند قانون شورای عالی معارف بعضی ممالک را ترجمه نمودند بنده با نهایت توفیق سوال می کنم اعضاء شورای عالی معارف فرانسه چه نوع اشخاصی هستند؟ لابد در جواب بنده خواهید فرمود معلمین بزرگ معلمین دارالفنونهای پاریس یا سایر شهرها که تمام وقت خودشان را صرف امور معارف کرده اند و پیر شده اند و ریششان سفید شده فلان رمان نویس فلان شاعر فلان فیلسوف نمی تواند پروگرام برای مدرسه بنویسد اگر بفرمایند میتواند بنویسد بنده عرض می